



## Methodology of Interpretation of Ayatollah Mahdavi Kani (may God have mercy on him)

Mohammad EtratDoost\*

Received: 09/09/2021

Accepted: 24/01/2022

### Abstract

Since the beginning of Islam, various interpretations of the Holy Qur'an have been written in various styles and methods, each of which has tried to convey the life-giving knowledge of this divine book to the people with appropriate methods of their time. In the recent century, especially after the victory of the Islamic revolution in Iran, the efforts of religious thinkers to benefit from the Holy Quran have been accompanied by reformist and social approaches, which has led to the formation of a new style in the interpretation of the Holy Quran. Among the contemporary scientific and Quranic personalities who played a very important role in the political and social currents of the Islamic Revolution of Iran and took valuable actions in the field of scientific and cultural developments, is Mohammad Reza Mahdavi Kani, because of his extensive political and social activities, unfortunately, the scientific community of the country is less familiar with his Quranic opinions and thoughts. This article shows the necessity of dealing with the works and opinions of this religious personality and his research in the field of his Quranic thoughts. In this article, tried to introduce the most important features of his style in the interpretation of the Holy Qur'an with the method of library study and descriptive analysis. The research results show that; The central issue, the presentation of important issues for research and research, the presentation of an orderly interpretation with a thematic approach, special attention to the correct translation of Quranic words, an instructive look at the history of Islam, the presentation of political and social issues in interpretation, teaching the correct method of interpreting the Quran to Audience and practical use of the Holy Quran with the aim of promoting the Islamic government is part of the most important features of Ayatollah Mahdavi Kani in the interpretation of the Holy Quran.

**Keywords:** *Mohammadreza Mahdavi Kani, Interpretation of Quran, interpretive method, Corrective approach in interpretation, Social commentary.*

---

\* Assistant Professor, Department of Theology and Islamic Studies, Shahid Rajaei Teacher Training University, Tehran, Iran. [Etratdoost@sru.ac.ir](mailto:Etratdoost@sru.ac.ir)



دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، سال ۱۶، شماره ۱، پیاپی ۳۱

پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۹۱-۱۲۳

مقاله علمی - پژوهشی

10.30497/qhs.2022.243580.3660



20.1001.1.20083211.1401.16.1.5.7

## روش‌شناسی تفسیر آیه‌الله مهدوی کنی (ره)

محمد عترت دوست\*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۴ روز نزد نویسنده بوده است.

### چکیده

از دوره صدر اسلام تاکنون تفاسیر مختلفی از قرآن کریم با سبک‌ها و روش‌های متنوع نگاشته شده که هر کدام تلاش داشته‌اند معارف حیات‌بخش این کتاب آسمانی را با شیوه‌های متناسب زمان خود، به مردم منتقل نمایند. در قرن اخیر نیز به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تلاش اندیشمندان دینی برای بهره‌مندی از قرآن کریم با رویکردهای اصلاح‌طلبی و اجتماعی همراه بوده که باعث شکل‌گیری سبک جدیدی در بیان تفسیر قرآن کریم شده است. در این میان، از جمله شخصیت‌های علمی و قرآنی معاصر که نقش بسیار مهمی در جریان‌ات سیاسی - اجتماعی انقلاب اسلامی ایران داشته و اقدامات ارزشمندی در زمینه تحولات علمی و فرهنگی جامعه انجام داده است، آیه‌الله محمدرضا مهدوی کنی (ره) می‌باشد که به دلیل اشتغالات سیاسی و اجتماعی، متأسفانه کمتر به‌عنوان یک اندیشمند و مفسر قرآن شناخته شده و جامعه علمی کشور کمتر با آراء و اندیشه‌های قرآنی ایشان آشنا هستند. این مطلب، ضرورت پرداختن به آثار و نظرات این شخصیت دینی و پژوهش در زمینه اندیشه‌های قرآنی ایشان را بیش از پیش نمایان می‌کند. در این مقاله تلاش شده با روش مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل توصیفی، مهم‌ترین ویژگی‌های سبک ایشان در تفسیر قرآن کریم را معرفی نماییم. نتایج تحقیق بیانگر آن است که؛ مسئله محوری، طرح موضوعات مهم برای تحقیق و پژوهش، بیان تفسیر ترتیبی با رویکرد موضوعی، توجه ویژه به ترجمه صحیح واژگان قرآنی، نگاه عبرت‌گیرانه از تاریخ اسلام، طرح مباحث سیاسی و اجتماعی در تفسیر، آموزش روش صحیح تفسیر قرآن به مخاطبان و استفاده کاربردی از قرآن کریم با هدف اعتلای حکومت اسلامی، بخشی از مهم‌ترین ویژگی‌های آیه‌الله مهدوی کنی (ره) در تفسیر قرآن کریم است.

### واژگان کلیدی

محمدرضا مهدوی کنی (ره)، تفسیر قرآن کریم، روش تفسیری، رویکرد اصلاحی در تفسیر، تفسیر اجتماعی.

### طرح مسئله

قرآن کریم، سند معرفت و هویت دین اسلام است؛ از این رو شناخت آن و بهره‌گیری از معارفش از برترین اولویت‌های فکری مسلمانان بوده است. این کتاب جاودانه از صدر اسلام تاکنون مورد اهتمام اندیشمندان بسیاری بوده که هرکدام تلاش کرده‌اند با نگارش تفسیری بر این کتاب آسمانی، اندیشه‌ها و دغدغه‌های فردی و اجتماعی خود را بیان کنند. رهاورد این جریان، تولید تفاسیر متعدد با روش‌ها و گرایش‌ها و رویکردهای مختلف بوده است که هرکدام با نگرش و زاویه دید خاصی، بخشی از ماهیت این کتاب مقدس را تبیین نموده‌اند.

اگرچه تفسیر قرآن کریم از آغاز تاکنون، مراحل گوناگون و متفاوتی را پشت سر گذاشته است، اما در سده اخیر با تحت تأثیر قرار گرفتن از انقلاب اسلامی ایران و دیگر نهضت‌های اسلامی معاصر، با رویکردهای جدیدی همراه شده است. خصوصیت اصلی این نهضت‌ها که به صورت‌های مختلف با مضمون مشابه در سراسر عالم اسلام سر برآوردند، این است که دین اسلام را نه یک عقیده مهجور و ایمانی قلبی، بلکه یک نظام کامل و تمام عیار دینی و دنیوی و اخلاقی و سیاسی و عبادی و اجتماعی ترسیم کرده‌اند که بر مبنای آن می‌توان حکومت اسلامی تشکیل داده و یک تمدن اسلامی ایجاد نمود. در این میان اندیشمندان قرآنی تلاش نموده‌اند تا در ضمن مباحث تفسیری خود، بایسته‌ها و ملزومات این حرکت قرآنی جهت نیل به حکومت اسلامی و تمدن اسلامی مطلوب را بیان نمایند، لذا هرکدام به فراخور موقعیت و شرایط خویش، از رویکردها و روش‌ها و سبک‌های مختلف استفاده نموده و مخاطبان خود را با معارف حقه این کتاب آسمانی آشنا نموده‌اند.

در این مقاله تلاش شده با پرداختن به یکی از اندیشمندان معاصر که نقش برجسته‌ای در تحولات فرهنگی - اجتماعی و دینی انقلاب اسلامی ایران در دهه‌های اخیر داشته و در منصب‌های مختلف، به ایفای نقش پرداخته است، بخشی از ویژگی‌ها و سبک آموزشی ایشان در تفسیر قرآن کریم مورد واکاوی قرار گیرد و معرفی شود. محمدرضا مهدوی کنی (ره) اندیشمندی است که چه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و چه پس از آن، نقش ارزشمندی در تحولات جامعه ایران داشته و در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی و دینی، صاحب‌نظر و اندیشه بوده است. اگرچه از این اندیشمند دینی در زمان حیات به جز چند اثر اخلاقی چیزی منتشر نشده بود، ولیکن پس از رحلت ایشان مجموعه مباحث تفسیری این استاد در ۱۱ جلد به اهتمام مؤلف مقاله جمع‌آوری و منتشر گردیده که جامعه آماری این پژوهش هستند.

در این میان محمد رضایی مقدم نیز در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل دیدگاه‌های تفسیری حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (ره)» (۱۳۹۷ش) تلاش کرده تا برخی از دیدگاه‌های تفسیری ایشان را گزارش دهد که با توجه به دسترسی محدود به منابع، پژوهشی ناقص بوده است. در این مقاله تلاش شده با بررسی کامل همه مباحث تفسیری آیه‌الله مهدوی کنی، فهرستی از مهم‌ترین ویژگی‌ها مباحث تفسیری ایشان که بازگوی سبک تفسیری خاص این استاد در بیان مباحث تفسیری و قرآنی است، احصاء گردیده و تبیین شود. لذا ابتدا به معرفی مختصری از شخصیت ایشان پرداخته و پس از تبیین مفاهیم نظری تحقیق شامل «روش تفسیری» و «گرایش تفسیری»، مهم‌ترین ویژگی‌ها سبک آموزشی استاد در طرح مباحث تفسیری را بیان خواهیم کرد.

### ۱. آشنایی با شخصیت آیه‌الله مهدوی کنی (ره)

محمد رضا حاج باقری مشهور به مهدوی کنی (۱۳۱۰ش - ۱۳۹۴ش) در روستای کن از توابع تهران متولد شده و پس از اتمام تحصیلات دوران ابتدایی، در سال ۱۳۲۳ راهی قم گشت و در کلاس‌های مدارس علوم دینی مشغول به تحصیل شد و به یادگیری علوم حوزوی پرداخت. او توانست در ۱۴ سالگی به لباس روحانیت ملبس شود و در سال ۱۳۲۷ برای تحصیل به مدرسه فیضیه رفته و پس از آن در مدرسه حجتیه تحصیلات خود را ادامه داد. از جمله اساتید وی در این دوران می‌توان به: امام خمینی، آیت‌الله محمدحسین بروجردی، علامه طباطبایی، شهید مطهری، آیت‌الله شهاب‌الدین مرعشی نجفی و عبدالجواد جبل عاملی اشاره کرد که فقه و اصول، فلسفه و کلام و تفسیر را تا سطوح عالی نزد آنان فراگرفت. او در کنار تحصیل به مسائل سیاسی روی آورد و در قم با اعضای فدائیان اسلام آشنا شده و به فعالیت‌های تبلیغی پرداخت. اولین رویارویی ایشان با مأموران رژیم پهلوی در سفر تبلیغی سال ۱۳۲۸ در کاشان بود که منجر به حبس یک‌روزه و ضرب و شتم طلاب همراهشان شد که واکنش شدید آیت‌الله‌العظمی بروجردی را به همراه داشت (مرادی، ۱۳۶۱ش، ص ۵۰).

آیت‌الله مهدوی کنی به همراهی جمعی از طلاب از جمله آیت‌الله محمد محمدی گیلانی، محمد امام کاشانی و محمود شمس، مجمع سیاسی طلاب را در قم تشکیل داده و علاوه بر ایجاد تحول در آموزش علوم دینی در حوزه‌های علمیه به مبارزه با تفکرات کمونیستی و ماتریالیستی می‌پرداختند. ایشان به پیشنهاد تولیت مسجد جلیلی میدان فردوسی تهران در سال ۱۳۴۱ امامت جماعت این مسجد را برعهده گرفت و بعد از قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ از این مسجد به‌عنوان پایگاه تبلیغی و سیاسی استفاده کرد و در عین حال به تشکیل کتابخانه و صندوق حمایت از مستمندان و بیماران در این مسجد اقدام نمود.

وی در این مسجد جلسات گوناگون مذهبی و سیاسی برگزار می‌کرد و ضمن بیان مسائل مذهبی به معرفی شخصیت امام خمینی می‌پرداخت. بیان فتوا و نظرات امام خمینی در جلسات درسی و مناظر و وعظ موجب شد تا مأموران رژیم پهلوی مکرراً او را به کلانتری احضار کرده و مورد آزار و شکنجه قرار دهند (قدسی‌زاده، ۱۳۸۳ش، صص ۱۱۹-۱۲۰).

او به همراه شهید بهشتی، شهید مفتاح، موسوی اردبیلی و هاشمی رفسنجانی در زمینه علوم قرآنی به مطالعه و تحقیق می‌پرداخت، همچنین با تعدادی از روحانیون مقیم تهران از جمله حضرات آیات سید محمود طالقانی، حسن لاهوتی، محمد جواد باهنر، شهید مطهری و هاشمی رفسنجانی به صورت مداوم جلساتی برگزار کرده و به بررسی نحوه فعالیت‌های سیاسی و تبلیغی مؤثر می‌پرداختند، و با تشکیل صندوق‌های حمایتی به اعزام مبلغ به روستاهای تهران اقدام می‌کردند. به دلیل همین فعالیت‌ها بود که در سال ۱۳۴۸ ممنوع المنبر شد، و در تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۱۵ به اتهام اقدام علیه امنیت کشور دستگیر شد. وی پس از آزادی موقت مجدد به ادامه فعالیت‌هایش در مسجد جلیلی پرداخت تا آنکه در تاریخ ۴ شهریور ۱۳۵۴ حضورش در تهران خلاف آرامش و نظم عمومی تلقی شده و به همین خاطر به مدت ۳ سال به بوکان تبعید شد. بعد از اوج‌گیری قیام‌های مردم و سه ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی به دستور امام خمینی و به همراه جمعی دیگر از نیروهای مذهبی به عضویت در شورای انقلاب درآمد و هنگام بازگشت امام خمینی به کشور به‌عنوان نماینده شورای انقلاب بر فعالیت‌های کمیته استقبال از امام، کنترل و نظارت می‌کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز یکی از اعضای شورای انقلاب بود و به دلیل ایجاد هماهنگی و جلوگیری از اختلاف بین شورای انقلاب و دولت موقت، به‌عنوان نماینده شورای انقلاب در جلسات دولت شرکت می‌کرد (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱ش، ج ۲۷، ص ۵۲۷).

پس از آن که کمیته انقلاب اسلامی تشکیل شد، به پیشنهاد شهید مطهری و به دستور امام خمینی با هدف جمع‌آوری سلاح‌های پراکنده و ساماندهی امور انتظامی کشور به‌عنوان رئیس کمیته انقلاب اسلامی منصوب شد. او در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۵۸ به‌عنوان وزیر کشور انتخاب شده و بعد از استعفای دولت موقت به‌عنوان سرپرست وزارت کشور، اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی و اولین انتخابات ریاست جمهوری را برگزار کرد. وی پس از عزل بنی‌صدر از ریاست جمهوری و در دوران ریاست جمهوری شهید رجایی به‌عنوان وزیر کشور برگزیده شد. او در سال ۱۳۶۰ به‌عنوان دبیرکل جامعه روحانیت مبارز تهران برگزیده شد، و در همان سال به همراه چند تن از شخصیت‌های سیاسی و علمی، دانشگاه امام صادق (ع) را تأسیس کرد.

مهدوی کئی علاوه بر فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، فعالیت‌های پژوهشی و دینی بسیاری داشته و آثار مکتوب متنوعی در زمینه تاریخ قرآن و اقتصاد اسلامی و نیز تقریرات دروس اصول

و فقه حضرت امام خمینی به زبان عربی از وی باقی‌مانده است، ولیکن متأسفانه به جز کتاب «نکته‌های آغاز در اخلاق عملی» (۱۳۷۱ش) هیچ‌یک از آثار ایشان در زمان حیاتشان منتشر نشده است.

پس از وفات ایشان در سال ۱۳۹۳ و تشکیل دفتر حفظ و نشر آثار در دانشگاه امام صادق (ع)، شاگردان ایشان تلاش نمودند تا آثار باقی‌مانده از این استاد گرامی را جمع‌آوری و منتشر نمایند که رهاورد این دغدغه و اهتمام، انتشار ۱۱ جلد کتاب تفسیری با عناوین: «تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ چیستی و الزامات» (۱۳۹۵ش)، «تفسیر سوره مبارکه حمد» (۱۳۹۶ش)، «تفسیر سوره مبارکه قدر» (۱۳۹۷ش)، «تفسیر سوره مبارکه بقره» (۱۳۹۸ش)، و «تفسیر سوره مبارکه نبأ» (۱۴۰۰ش) است. همچنین مجموعه سخنرانی‌های ایشان در نماز جمعه تهران، در مجلس خبرگان، در کلاس‌های اخلاق و غیره نیز به اهتمام آن دفتر جمع‌آوری و منتشر شده است (۱۳۹۳ش).

## ۲. ادبیات نظری تحقیق

از آنجا که در مقاله حاضر به دنبال تبیین «سبک» آیه‌الله مهدوی کنی (ره) در تفسیرگویی هستیم و نیز با توجه به اینکه میان اصطلاحات «روش‌های تفسیری»، «گرایش‌های تفسیری» و «سبک تفسیری» اشتراکات و افتراقات بسیاری وجود دارد که باعث شده برخی آنها را یکسان تصور کنند، لذا در ابتدا لازم است به تعریف دقیق هرکدام از این اصطلاحات پرداخته و در نهایت تعریف خود را از واژه «سبک» مشخص نماییم. به همین منظور در بخش ادبیات نظری تحقیق به تعریف اصطلاحات رایج در حوزه ادبیات تفسیرگویی و تفسیرنویسی پرداخته خواهد شد.

در تبیین ضرورت پرداختن به این موضوع باید به این نکته مهم توجه داشت که هریک از مفسران، قرآن را از منظری خاص و دیدگاهی محدود تفسیر کرده‌اند. برخی تنها به توضیح ادبیات، بلاغت و ابعاد لفظی و نحوی قرآن بسنده کرده‌اند. گروهی به دلیل تعلق خاطر شخصی یا به تناسب اقتضائات روزگار خود، توضیح و توصیف مباحث عقلی، فلسفی و کلامی قرآن را وجهه همت خود قرار داده و در این میدان، قرآن را معرکه آرای گوناگون و گاه متضاد خود ساخته‌اند. گروه دیگری از اهل تفسیر نیز به ابعاد فقهی، اخلاقی، عرفانی و... علاقه نشان داده‌اند. به همین دلیل قرآن پژوهان به تقسیم و تفکیک تفاسیر به تفاسیر مآثور، قرآن به قرآن، شهودی، ظاهری، باطنی، عقلی و اجتهادی پرداختند (برای نمونه ر.ک: شاکر، ۱۳۸۱ش، صص ۱۴۵-۱۴۶؛ گلدزیهر، ۱۳۸۸ش، صص ۱۳-۱۵).

## ۱-۲. آشنایی با مفهوم «روش تفسیری»

هر علمی دارای سه رکن عمده است: موضوع، هدف و روش. در این میان روش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این که مفسران از روش‌های گوناگونی در تفسیر قرآن بهره برده‌اند تردیدی نیست، اما نکته‌ای که قابل توجه است، اینکه در تقسیم روش‌های تفسیری گاهی بین روش مفسر و گرایش‌های مذهبی و سلیقه‌های شخصی او خلط شده است. به‌طور مثال نویسندگانی در بیان طبقه‌بندی تفاسیر از نظر روش، آنها را اینگونه تفسیر کرده است:

«منهج التفسیر الفقهي، منهج التفسیر بالمأثور و منهج التفسیر العلمي التجريبي»

(نک: الرومی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴).

دیگری آنها را با استفاده از اصطلاح «اتجاه» چنین طبقه‌بندی کرده است:

«الاتجاه النقلی فی التفسیر، الاتجاه العقلي فی التفسیر و الاتجاه الصوفي فی التفسیر»

(نک: المتولی، ۱۹۸۶م، ص ۹).

میرمحمدی نیز با همین اصطلاح می‌گوید:

«تفاسیر دارای یکی از این دو اتجاه هستند: اتجاه تفسیر اثری و اتجاه تفسیر

به رأی» (نک: میر محمدی، ۱۳۶۳ش، ص ۶۳).

به نظر می‌رسد روش تفسیری امری است فراگیر که مفسر آن را در همه آیات قرآن به کار می‌گیرد و اختلاف در آن، باعث اختلاف در کل تفسیر می‌شود و آن چیزی جز منابع و مستندات تفسیر نیست. روش‌های تفسیری در واقع از مبادی نخستین هر نوع پژوهش تفسیری است، یعنی مفسر در آغاز باید معلوم کند که به‌گونه‌ای اصولی چه مبنا (روشی) را زیربنای استخراج مفاهیم عقلی، نقلی، علمی، کلامی، فلسفی و... از قرآن قرار داده است؛ اما اهتمام و توجه مفسر به یک بعد از ابعاد معارف قرآنی و انصراف از دیگر جنبه‌ها، در مرحله بعد مطرح است (رجبی، ۱۳۸۳ش، ص ۵۴). از منظر آیه‌الله معرفت، روش تفسیری عبارت است از «ابزاری که هدف ما را در رویکردی تفسیری محقق می‌سازد و نیز در حکم ظرفی است که اندیشه‌ها و درون‌مایه‌های رویکرد ما را در خود جای داده است. روش‌های جدید در تفسیر قرآن می‌توانند به پدید آمدن رویکردهای جدید یاری رسانند» (معرفت، ۱۳۸۰ش، ص ۲۴).

از آنجا که عالمان لغت واژه روش را چنین تعریف می‌کنند: «راهی است روشن برای تعبیر از چیزی یا انجام دادن کاری یا یادگیری چیزی براساس مبادی و نظامی معین و معلوم به قصد رسیدن به غایتی معین و معلوم» (نقراشی، ۱۴۰۶ق، ص ۱۳)، و از آنجا که محوریت منابع برای فهم متون دینی، بر اساس حصر عقلی، تنها چهار قسم: وحی، عقل، علم و تجربه و کشف و شهود می‌باشد و این مطلب نزد عامه دانشمندان مسلمان مقبول است (مهریزی، ۱۳۹۲، ص ۸).

بر همین اساس، زیربنای مفسر برای استخراج معانی و مقاصد قرآن کریم نیز منبعث از این چهار قسم بوده که ماحصل آن، تولید چهار روش تفسیری خواهد بود: تفسیر اثری، تفسیر عقلی، تفسیر علمی و تفسیر عرفانی.

## ۲-۲. آشنایی با مفهوم «گرایش تفسیری»

مراد از گرایش تفسیری، صبغه‌های مختلف تفسیر قرآن است که گاهی با عناوینی چون تفسیر کلامی، تفسیر تربیتی، تفسیر اخلاقی و غیره معرفی می‌شوند. این‌گونه امور با تمایلات ذهنی و روانی مفسران ارتباط مستقیم و تنگاتنگ دارد. مهم‌ترین عامل پدیدآورنده گرایش‌های مختلف تفسیری، جهت‌گیری‌های عصری مفسران است. این موضوع خود معلول سه عامل دیگر است که عبارتند از: دانش‌هایی که مفسر در آنها تخصص دارد، روحیات و ذوقیات مفسر و نیز دغدغه‌های مفسر نسبت به مسائل مختلف بیرونی. بنابراین می‌توان گفت مراد از گرایش تفسیری، سمت‌وسو‌هایی است که ذهن و روان مفسر، در تعامل با شرایط و مسائل عصر خود، بدان‌ها تمایل دارد (بابایی، ۱۳۸۱ش، ص ۴۲).

به‌عنوان مثال، در حالی که مهم‌ترین دغدغه‌های فکری مفسری، تربیت معنوی افراد است، بزرگ‌ترین دل‌مشغولی مفسر دیگری مبارزه با حکومت جور و ایجاد یک اجتماع اسلامی با حکومت دینی است. به‌طور قطع، تفسیر این دو مفسر در عین دارا بودن نقاط مشترک فراوان، هر یک دارای جهت‌گیری خاص خود است، حتی اگر منابع معتبر در تفسیر نزد آن دو یکسان باشد. همین‌طور تبحر یک مفسر در علم کلام و دغدغه او نسبت به امور اعتقادی سبب می‌شود تا او به هر مناسبتی باب مباحث کلامی را بگشاید و درباره آن داد سخن دهد (عمید زنجانی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۴). بنابراین روحیات مفسر، میزان بهره‌مندی او از دانش‌های مختلف، دغدغه‌های او نسبت به دین، انسان، مسائل اجتماعی و تحولات زمان از اهم اموری است که در شکل‌گیری انواع تفسیر عصری مؤثر است. لذا در عصری که تحولات شگرف علمی، افکار را مسحور و مسخر خویش ساخته بود، مفسرانی چون طنطاوی با عرضه تفسیر قرآن با جهت‌گیری علمی، تلاش کردند تا هم گامی و بلکه پیش‌قدمی قرآن و وحی را با علم و دانش نشان دهند (ر.ک: طنطاوی، ۱۴۱۲ق).

عرضه مسائل و شبهات جدید به قرآن خود از مسائلی است که در ایجاد تنوع و برجسته ساختن گرایش‌های مختلف تفسیری مؤثر بوده است. بدون تردید، قرآن کریم در هنگام نزول، در مقام بیان همه مسائل نبوده است، ولی مسلمانان همیشه خواسته‌اند با مراجعه به قرآن کریم، درستی یا نادرستی مسائل زمان خود را دریابند.



از آنجا که بسیاری از مسائل جدید دارای جوانب و لایه‌های مختلف است، هر مفسری با مهم دیدن لایه یا جنبه‌ای از موضوع، به سراغ ظواهر، اطلاقات و عمومیات قرآن کریم رفته و در نتیجه پاسخ‌های مختلف از قرآن دریافت کرده است. در هر صورت، بسیاری از اوصافی که برای تفسیر ذکر می‌شود نشانگر گرایش خاص مفسران است. اوصافی چون: کلامی، تاریخی، اخلاقی، تربیتی، هدایتی، ارشادی، روحانی، علمی، اجتماعی، سیاسی، تقریبی از این دست است. از گرایش‌های تفسیری به‌عنوان اتجاهات تفسیری نیز یاد می‌شود.

### ۲-۳. آشنایی با مفهوم «سبک تفسیری»

مفسران علاوه بر اختلاف در روش‌ها و گرایش‌های تفسیری، در نحوه بیان و تنظیم مطالب نیز از شیوه‌های گوناگونی بهره می‌برند. دو چیز را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده سبک تفسیری برشمرد. این دو عامل عبارتند از: درک شرایط مخاطب و ذوق و سلیقه شخصی. به‌عنوان مثال مفسری که می‌خواهد برای نوجوانان و جوانان تفسیر قرآن بنویسد، طبیعی است که با توجه به ظرفیت علمی مخاطبان خود از سبک ساده‌نویسی استفاده کند، از این رو تا آنجا که ممکن است از به کار بردن اصطلاحات مشکل و مباحث پیچیده علمی پرهیز می‌کند و به‌عکس با به کار بردن واژه‌های آسان و بیان ساده و لطیف، تفسیر خود را شکل می‌دهد. در عین حال مفسر دیگری که دارای ذوق شعری است، ممکن است تفسیر خود را به شکل منظوم عرضه کند مانند تفسیر صفی‌علیشاه، یا مفسری که دارای مهارت ادبی است تفسیر خود را با ترکیب شرح و متن آیات عرضه می‌کند که به آن تفسیر مزجی می‌گویند مانند تفسیر جلالین و تفسیر شبر (ر.ک: عمید زنجانی، ۱۳۸۰ش، صص ۲۰-۲۸؛ رجبی، ۱۳۸۳ش، ص ۵۸).

باید توجه داشت که اختلاف در شیوه‌های تنظیم و بیان مطالب با روش‌ها و گرایش‌های تفسیری ارتباطی ندارد. سبک‌های بیانی در تفسیر را نیز می‌توان به دو قسم کلی و جزئی تقسیم کرد؛ سبک‌هایی چون تفسیر منظوم، تفسیر منثور، تفسیر مزجی، تفسیر مختصر، تفسیر مفصل، تفسیر ترتیبی (اعم از ترتیب نزول یا ترتیب موجود در مصحف) و تفسیر موضوعی، سبک‌های کلی هستند که هر یک از مفسران با توجه به دو عامل ذوق و مخاطب‌شناسی به‌عنوان سبک بیان در تفسیر خود برمی‌گزینند. بقیه امور از موارد جزئی است که ذوق و سلیقه شخصی مفسران در پدید آوردن آن دخالت تام دارد. از این رو شاید بتوان گفت تنوع و تعدد سبک‌های بیانی در تفسیر به تعداد تفاسیر و مفسران است (نک: الرومی، ۱۴۰۷ق، ص ۶۶).

از آنجا که پرداختن به سبک بیانی هر کدام از مفسران قرآن کریم می‌تواند بیانگر دانش قرآنی و دغدغه‌های اجتماعی - اصلاحی آن فرد باشد، لذا شایسته است که در رابطه با شخصیت‌های

قرآنی معاصر این نوع پژوهش‌ها صورت گیرد و با توجه به سبک بیانی کلام ایشان در مباحث تفسیری، دغدغه‌های اجتماعی و رویکرد اصلاح‌گرایانه آنان بر مبنای قرآن کریم، استخراج گردد. بدین منظور در این مقاله تلاش شده با توجه به منابعی که پس از رحلت آیه‌الله مهدوی کنی (ره) منتشر شده، به تبیین سبک ایشان در تفسیرگویی پرداخته و بیشتر با شخصیت قرآنی این اندیشمند معاصر آشنا شویم.

## ۲. سبک تفسیری آیه‌الله مهدوی کنی (ره)

پس از مطالعه کامل آثار تفسیری آیه‌الله مهدوی کنی (ره) که به اهتمام مؤلف مقاله جمع‌آوری و تدوین شده، برخی از مسائل و موضوعات به‌عنوان مهم‌ترین ویژگی‌ها سبک تفسیری این استاد فرزانه مورد توجه قرار گرفت که در ادامه بیان خواهد شد:

### ۲-۱. مسأله محوری در پرداختن به موضوعات قرآنی

طرح سؤال در ابتدای ورود به تفسیر هرکدام از آیات قرآن کریم و مسأله محور بودن در پرداختن به موضوعات قرآنی از جمله مهم‌ترین ویژگی‌ها آیه‌الله مهدوی کنی در هنگام بیان مباحث تفسیری قرآن کریم است که موجب تحریک ذهن مخاطب برای فراگیری بیشتر و ایجاد دغدغه جهت پاسخگویی به مسائل مختلف می‌شود. بی‌شک تا زمانی که در ذهن مخاطب سؤالی ایجاد نشود، علاقه‌مند به پیگیری مباحث نخواهد بود. استاد، در ابتدای مباحث تفسیری خود و با توجه به مخاطبان مستقیم آن مباحث، به طرح سؤال پرداخته و جهت آشنا کردن مخاطب با اهمیت موضوع آیه و کارآمدی آن در عصر حاضر، سؤالات مختلفی در رابطه با موضوع مورد بحث مطرح می‌کنند تا بدین‌وسیله ذهن مخاطب برای درک بهتر مطلب، آماده شود. پیگیری مکرر مباحث در جلسات بعد توسط دانشجویان حاضر در کلاس - که در مواردی نیز موجب از هم‌گسیختگی نظم جلسات شده - نشان‌دهنده‌ی درگیر شدن ذهن مخاطبان با موضوع است.

به‌عنوان مثال ایشان در ابتدای شروع یکی از کلاس‌های خود در مقطع دکتری برای دانشجویان رشته علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع)، ابتدا به طرح این موضوع می‌پردازند که اساساً چه ضرورتی دارد به تفسیر قرآن کریم پرداخته شود و چرا اصطلاح «تفسیر» برای این کار انتخاب شده است. این موضوع اگرچه در بسیاری از کتب علوم قرآنی و تفسیر بیان شده و پاسخ‌های متعددی به آن داده شده است، ولیکن سؤالات خاصی که استاد در ادامه بحث بیان می‌کنند، نشان می‌دهد که اولاً این موضوع از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و

می‌بایست مجدد به آن توجه شود و ثانیاً؛ گویا پاسخ‌های ارائه شده در کتب مختلف کافی و جامع نبوده و به پاسخ مستحکم‌تری نیاز است. سؤالات ابتدایی ایشان بدین شرح است:

«یکی از مهم‌ترین سؤالات مطرح در بحث تفسیر قرآن کریم، نیاز این کلام الهی به تفسیر است. چرا این متن، نیازمند به تفسیر شدن است؟ چرا با وجود دانستن زبان عربی، امکان فهم مفاهیم و معارف این کلام الهی برای همگان وجود ندارد؟ مسئله‌ی تفسیر قرآن کریم که معتقدیم لازم و حتمی است، و باید باشد، آیا به آن معناست که آیه‌ای در مرتبه‌ی ظاهری و لغوی ابهام دارد و صرفاً به واسطه‌ی فهم لغات عربی آن، می‌توان آن را تفسیر کرد؟ آیا منظور از تفسیر، فهم لغات و واژگان آیه است؟ اگر بنا باشد صرفاً لغت‌های یک آیه را ترجمه کنیم و سپس بگوییم فهمیدیم که مثلاً آیه‌ی شریفه‌ی: «أَقِمْوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ» (البقره: ۴۳) یا «وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى» (البقره: ۱۷۷) چه می‌خواهد بگوید، این مطلب را هرکس اندک آشنایی با زبان عربی داشته باشد، می‌تواند بفهمد. پس علت نگارش تفاسیر متعدد چیست؟ چرا عنوان «تفسیر» برای آنها انتخاب شده در حالی که می‌بایست عنوان «لغت‌نامه» و «قاموس لغت» برای آنها انتخاب می‌شد؟ و...» (مهدوی کنی، ۱۳۹۵ ش، ص ۸).

ایشان در جایی دیگر در خصوص مراتب فهم قرآن کریم این سؤالات را مطرح می‌کنند:

«یکی از مباحث مهم در خصوص تفسیر قرآن کریم، مسأله‌ی امکان فهم کتابی دارای مراتب متعدد است. آیا اصلاً امکان فهم چنین کتابی که مراتب متعددی دارد، وجود دارد؟ برفرض ممکن بودن، آیا این امکان برای همه است یا تنها برای برخی افراد خاص؟ کدام مراتب آن را می‌توان فهمید و فهم کدام مرتبه‌ی آن غیرممکن است؟ آیا می‌توان گفت آنچه به صورت تفصیل نازل شده را مردم می‌فهمند، اما آنچه در امّ‌الکتاب محکم شده را تنها خواص و راسخان در علم می‌دانند؟ خداوند در سوره‌ی مبارکه‌ی آل‌عمران می‌فرماید: «مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ» (آل‌عمران: ۷) و مرجع آیات محکم را «امّ‌الکتاب» معرفی می‌کند. این مرجع بودن محکمات به چه معناست؟ آیا خود این آیات محکم، امّ‌الکتاب هستند یا مرجع فهم این آیات محکم نیز امّ‌الکتاب است؟ اگر بنا باشد که آیات متشابه به واسطه‌ی آیات محکم تفسیر شوند، آیات محکم خود به واسطه‌ی چه

چیزی تفسیر می‌شوند؟ ام‌الکتاب یا این‌که اصلاً نیازی به تفسیر ندارند و کاملاً گویا و هویدا هستند؟ می‌دانیم که اکثریت آیات قرآن کریم نیازمند به تفسیر هستند و به یک معنا، آیه‌ای که هیچ نیازی به تفسیر و توضیح نداشته باشد، در این کتاب یافت نمی‌شود. بنابراین چگونه می‌توان تفسیر آیات محکم را از ام‌الکتاب استخراج کرد؟ آیا اصلاً امکانی جهت ارتباط با ام‌الکتاب وجود دارد و می‌توان آیات و مطالب و محتوای آن را فهمید یا خیر؟ منظور از «ام» در این آیه چیست؟ مرجع بودن یا مبنا بودن؟ ... (مهدوی کنی، ۱۳۹۷ش، ص ۷۴).

البته ایشان در خلال مباحث خود، علت مطرح کردن سؤالات متعدد در ابتدای مباحث تفسیری و تأکید بر طرح سؤالات کاربردی را توضیح داده و بدین مطلب اشاره می‌کنند که این سؤالات، ذهن دانشجویان را برای انتخاب موضوع تحقیق آماده کرده و به آنها انگیزه می‌دهد تا بر مبنای معارف قرآنی، به حل مشکلات اجتماعی روی آورند. ایشان در این زمینه می‌فرمایند:

«درس‌هایی که در رشته‌ی علوم قرآنی دانشگاه یا حوزه خوانده می‌شود، همه مقدمه‌ای است برای درک حقیقت قرآن. تا زمانی که انسان مسأله‌ای را نداند، به آن توجه نکرده و به دنبال پاسخ آن نیز نمی‌رود، لذا دروس دانشگاه مقدمه‌ای است برای توجه پیدا کردن به قرآن کریم. هرچه انسان در این مسیر جلوتر می‌رود، تازه متوجه می‌شود که چیزی نمی‌داند و به قول شاعر: «تا بدانجا رسید دانش من که بدانم همی که نادانم» (ابوشکور بلخی، بی‌تا، ۵۴). به‌ویژه وقتی درس‌های علوم قرآنی بیان می‌شود، مخاطبان و دانشجویان تازه متوجه می‌شوند چه مسائل و مباحثی در قرآن کریم وجود دارد که می‌توانند به دنبال آن بروند و در این زمینه تحقیق کنند» (مهدوی کنی، ۱۳۹۵ش، ص ۷۸).

## ۲-۲. طرح موضوعات مهم برای تحقیق و پژوهش

یکی دیگر از ویژگی‌ها سبک تفسیری آیه‌الله مهدوی کنی (ره) که در ادامه مورد قبل یعنی مسئله محوری ایشان در پرداختن به مباحث تفسیری قابل طرح است، طرح موضوعات و مسائل شایسته و بایسته و لازم برای تحقیق و پژوهش در قرآن کریم است. اساساً یکی از ویژگی‌ها لازم و متعالی برای یک استاد و معلم آن است که مسیر تحقیق و پژوهش را برای دانش‌جویان خود ترسیم نماید و آنان را با خلأهای پژوهشی هرکدام از عرصه‌های علوم آشنا نماید.

آیه‌الله مهدوی کنی (ره) نیز به‌مثابه یک معلم، در جای‌جای مباحث تفسیری خود، به طرح موضوعات شایسته تحقیق و مسائلی که لازم است دانشجویان و علاقه‌مندان مباحث تفسیری بدان توجه کنند، پرداخته و فهرستی از این موضوعات را در کلاس‌های خود بیان کرده‌اند. به‌عنوان مثال یکی از این موارد، «اصول موضوعه قرآنی» است که در رابطه با آن می‌فرمایند:

«موضوعات جالبی که می‌توان درخصوص آن تحقیق و پژوهش کرد، شناسایی و بررسی آیاتی است که در آنها از اصول موضوعه‌ی قرآنی بحث شده است. برخی از اصول موضوعه‌ی قرآنی، مباحثی را بیان می‌کنند که توجه و تعمق و تحقیق پیرامون آنها، معلوماتی را به انسان اضافه می‌کند که موجب درک بهتر آن اصول موضوعه خواهد شد. به‌عنوان مثال در بحث انسان‌شناسی، خداوند مسأله‌ی روح و نفس را در قرآن مطرح و بسیار به آن تأکید کرده که لازم است در مورد این‌که واقعاً آیا این دو از یکدیگر جدا و متمایز بوده یا یک چیز هستند، تحقیق و بررسی شود. همچنین در مواردی قرآن کریم به آسمان‌های هفت‌گانه اشاره کرده اما چرا به زمین‌های هفت‌گانه اشاره نکرده است؟ البته در یک مورد می‌فرماید: «سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ» (الطلاق: ۱۲) اما آیا مفهوم «مثل» در این آیه به معنای همانندی در خلقت است یا چیز دیگر؟ در مورد مسأله‌ی برزخ نیز که قرآن کریم تصریح می‌کند بعد از مرگ، برزخی هست تا روز قیامت: «و مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (المؤمنون: ۱۰۰) این فاصله دقیقاً چیست و حدود آن به چه میزان است و چه حوادثی در آنجا رخ می‌دهد؟ این مسائل، از جمله مباحثی است که مرحوم علامه طباطبایی رحمه‌الله‌علیه وعده کرده بودند بیان کنند، اما نهایتاً فرصت نکردند» (مهدوی کنی، ۱۳۹۵ ش، ص ۲۸).

از دیگر مسائلی که آیه‌الله مهدوی کنی (ره) به‌عنوان موضوعات شایسته تحقیق بیان می‌کنند، مسئله «اخبار غیبی» قرآن کریم است که به دو دسته اخبار غیب نسبت به گذشته و اخبار غیب نسبت به آینده تقسیم می‌شود. ایشان با ذکر این تقسیم‌بندی، به طرح این سؤال می‌پردازند که می‌بایست تفاوت اخبار غیبی با ملاحم و فطن بررسی شود و بر اساس معیارهای دقیقی تعاریف این اصطلاحات بیان گردند. به‌طور کلی یکی از دغدغه‌های استاد در مباحث تفسیری، ارائه تعریف دقیق از اصطلاحات قرآنی است، به‌ویژه اصطلاحات جدیدی که قرآن کریم برای اولین بار مطرح کرده و پیشینه‌ای در ادیان گذشته نداشته است. ایشان در این خصوص می‌فرمایند:

«از دیگر مسائلی که شایسته‌ی تحقیق و پژوهش است، مسأله‌ی اصطلاحات جدیدی است که قرآن کریم برای اولین بار تأسیس کرده و تلاش کرده به واسطه‌ی آنها فرهنگ جدیدی در جامعه‌ی اسلامی ایجاد کند. اگر فرهنگ دوره‌ی جاهلیت را بررسی کنید، متوجه می‌شوید که قرآن کریم تلاش کرده تا مسائل جدیدی را در جامعه‌ی اسلامی فرهنگ‌سازی کند و درواقع آنها را به اصول موضوعه‌ی خود تبدیل نماید. به‌عنوان مثال با بیان اصطلاحاتی مانند «صلاة»، «زکات» و «حج»، فرهنگی اسلامی ایجاد کرده و می‌دانیم که هرکدام از این اسامی، دلیل بر یک معنای فرهنگی غنی و قرآنی ویژه هستند زیرا هر جا اسمی مطرح و تأسیس شود، فرهنگی را هم به دنبال آن می‌آورد. به‌رحال اصطلاحات و اسامی خاص قرآنی یکی از بحث‌ها و موضوعات قابل بررسی است که شایسته است در خصوص آنها تحقیق و پژوهش شود» (مهدوی کنی، ۱۳۹۸ ش، ص ۳۰).

موارد ذیل، فهرستی از موضوعاتی هستند که استاد در خلال مباحث تفسیری خود به تحقیق و پژوهش درخصوص آن توصیه کرده‌اند:

- بررسی کیفیت استدلال‌های قرآنی درباره‌ی توحید، نبوت، معاد و حتی درباره‌ی معجزه بودن قرآن کریم،
- بررسی کیفیت مجادلات قرآنی و تبیین موضوعات مورد جدال و شیوه‌های جدال احسن از منظر قرآن کریم،
- تبیین مفهوم «حکمت» از منظر قرآن کریم و تمایز آن با اصطلاحاتی مانند: «علم»، «برهان»، «معرفت» و...،
- بررسی موضوعات اجتماعی قابل شور و مشورت و تعیین محدوده اختیارات رهبر جامعه اسلامی در طرح عمومی مسائل جهت مشورت از منظر قرآن کریم،
- تبیین میزان مقبولیت و مشروعیت اصل مشورت و حکومت شورایی در جامعه اسلامی،
- تبیین دقیق مباحث هستی‌شناسی و خداشناسی در قرآن کریم و بررسی این مطلب که آیا واقعاً خدا، موجود است یا نه؟ آیا این فعل «کان» در آیات متعددی مانند: «إِنَّ اللَّهَ كَانَهُ» (النساء: ۱ و ۱۱ و ۱۷) و «كَانَ اللَّهُ» (النساء: ۸۵) به معنای موجود بودن است و آیا خداوند نیز مانند دیگر اشیاء جهان هستی، موجودی است که قبلاً موجود نبوده و بعداً موجود شده یا اینکه این فعل در خصوص عرضیات و صفات و اسماء الهی بوده و اساساً مسأله‌ی دیگری مطرح است؟،

• بررسی هدف قرآن کریم از طرح موضوع «تحدی» و «اعجاز» قرآن کریم و تبیین اینکه آیا تحدی صرفاً در زمینه‌ی اعجاز قرآن است یا دیگر وجوه معرفتی و محتوایی این کتاب را نیز شامل می‌شود.

لازم به ذکر است که از منظر آیه‌الله مهدوی کنی (ره)، تحدی کارکردهای متعددی در قرآن کریم دارد و یکی از زمینه‌های افزایش ایمان و معرفت انسان نسبت به خدا و جهان هستی است. ایشان در کتاب «تفسیر موضوعی» ابتدا به طرح این موضوع پرداخته و ذهن دانشجویان را درگیر می‌کنند و سپس در کتاب «تفسیر سوره بقره» ذیل آیات بیست و سوم و بیست و چهارم به طرح مفصل کارکردهای تحدی در قرآن کریم می‌پردازند. خداوند متعال همه‌ی افراد بشر را به تحدی با قرآن کریم دعوت کرده و از آنان خواسته در ابتدا مانند تمام قرآن، سپس ده سوره از آن و بالاخره تا یک سوره مانند قرآن بیاورند و در انتها بیان می‌نماید که آنان هرگز نخواهند توانست چنین کنند. از آنجا که در میان دشمنان دین اسلام، عده‌ای از دانشمندان، سخنوران، فصحاء و اهل بلاغت وجود داشته و به‌رغم آن که قرآن به زبان آنان نازل شده و برای مقابله با دین اسلام از هیچ اقدام و دسیسه‌ای فروگذار نمی‌کردند، لذا ناتوانی ایشان در انجام این عمل، خود بهترین دلیل بر اعجاز قرآن و صحت نبوت و صدق گفتار پیامبر اسلام (ص) است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۹۴).

«معجزه» نیز انجام کار خارق‌العاده‌ای است که همراه و هماهنگ با دعوی نبوت باشد. لذا میان معجزه و صدق دعوی نبوت رابطه‌ی منطقی برقرار است، زیرا اگر آورنده‌ی معجزه در ادعای خود راستگو باشد، مطلب ثابت می‌شود و اگر فرض کنیم در ادعای خود دروغگو باشد، بر خداوند حکیم شایسته نیست که چنین قدرتی را در اختیار او قرار دهد (سبحانی، ۱۳۸۴ش، ص ۱۰۴).

## ۲-۳. بیان تفسیر ترتیبی با رویکرد موضوعی

از دیگر ویژگی‌ها سبک تفسیری آیه‌الله مهدوی کنی (ره)، بیان تفسیر ترتیبی قرآن کریم با رویکرد موضوعی است. اساساً روش عموم مفسران قرآن کریم در طول تاریخ اسلام بیان تفسیر قرآن کریم به ترتیب چپش مکتوب آیات و سوره قرآن در مصحف شریف بوده است که از سوره فاتحه‌الکتاب شروع شده و تا سوره معوذتین ادامه پیدا می‌کند. اما در این میان برخی از مفسرین تلاش کرده‌اند تا ضمن تفسیر ترتیبی، به مناسبت مطرح شدن هر موضوع، به تمامه آن موضوع را از منظر قرآن کریم واکاوی کرده و تمامی جزئیات آن را بیان کنند تا مخاطب بهتر بتواند با ماهیت آن موضوع آشنا شده و درک درستی از تفسیر آیه به دست آورد.

از منظر آیه‌الله مهدوی کنی (ره)، برای تفسیر هر کدام از آیات قرآنی که به موضوعی خاص اشاره دارند، لازم است به روح کلی حاکم بر قرآن کریم در خصوص آن موضوع توجه کرده و بر مبنای آن روح کلی به تفسیر آیات بپردازیم. این روح کلی نیز پس از بررسی تمامی آیات و سور و احاطه کامل به معارف قرآنی برای مفسر حاصل می‌شود. البته باید گفت که این روش توسط علامه طباطبایی در تفسیر المیزان اجرا شده و آیه‌الله مهدوی کنی به دلیل شاگردی در محضر علامه و تأکید بسیار بر روش تفسیر قرآن به قرآن از این سبک استفاده نموده‌اند، ولیکن از آنجا که مهدوی کنی به دنبال نگارش کتاب تفسیری خاص یا ارائه سلسله جلسات منظم تفسیر قرآن نبوده و صرفاً به مناسبت کلاس‌های دانشگاهی به طرح مباحث تفسیری پرداخته است، در همان بحث مختصر نیز به طرح روح حاکم بر قرآن در خصوص موضوع مطروحه پرداخته و تلاش نموده تا همه جوانب آن موضوع را بررسی نماید. به همین دلیل در اینجا از اصطلاح روش تفسیر قرآن به قرآن استفاده نشده و این کار را سبک تفسیری استاد معرفی نموده‌ایم.

ایشان در رابطه با ضرورت درک و فهم روح کلی حاکم بر قرآن کریم جهت بیان مباحث تفسیری می‌فرمایند:

«نکته بسیار مهم در مسئله مخالفت و موافقت احادیث با قرآن کریم، این است که نباید تنها به الفاظ و ظواهر آیات بسنده کنیم، بلکه آنچه در عرضه روایات به قرآن کریم ملاک و مبنا می‌باشد، روح کلی حاکم بر قرآن کریم است. مسئله مخالفت یا موافقت با قرآن، صرف تکیه بر ظاهر آیات نیست، بلکه منظور روح کلی حاکم بر قرآن کریم است. قرآن کریم به دنبال چنین تفکری است که می‌بایست کل‌نگر و جامع‌نگر باشیم، نه جزئی‌نگر و ظاهر‌نگر. بنابراین اگر بتوانیم آن اصل فکری و روح کلی را از قرآن کریم بگیریم، در آن صورت هر چیزی که با این اصل کلی مخالفت بکند را می‌توانیم رد کنیم و کنار بگذاریم، ولو اینکه صریحاً در آیات قرآن در این خصوص هیچ حرفی نباشد» (مهدوی کنی، ۱۳۹۷ ش، ص ۵۸).

ایشان در ادامه به بیان راهکار فهم روح کلی حاکم بر قرآن کریم پرداخته و شناسایی سیاق آیات قرآنی را مهم‌ترین عامل معرفی می‌کنند، و به منظور آشنایی بیشتر دانشجویان با این مفهوم، به طرح مثال‌های مختلفی پرداخته و تعارض‌های ظاهری موجود در بسیاری از آیات و روایات را با توجه به این اصل مهم، برطرف می‌نمایند. گستره مثال‌هایی که ایشان در این زمینه بیان می‌کنند، خود گواه تسلط بسیار زیاد ایشان به مجموعه معارف اسلامی است.



مثال‌هایی در حوزه عدل الهی، جایگاه اهل‌بیت(ع)، توفی روح و قیامت، رزق و انواع مالکیت انسان، چگونگی خلقت انسان، چگونگی برخورد جامعه اسلامی با مخالفان و برخی از مسائل اخلاقی از این نمونه‌هاست.

همانگونه که اشاره شد آنچه در این بخش مدنظر مؤلف مقاله است، بهره‌گیری استاد از روح کلی قرآن برای پرداختن به موضوعات قرآنی در ضمن تفسیر ترتیبی است و به همین دلیل اصطلاح روش تفسیر قرآن به قرآن را به کار نبرده است. ایشان در فرصت‌های پراکنده‌ای که به طرح مباحث تفسیری پرداخته‌اند، تلاش نموده‌اند تا به مناسبت طرح مسائل، شاکله کلی آن موضوع را از منظر قرآن کریم بیان کرده و تمامی مطالب ذیل آن موضوع را بیان کنند و سپس در نهایت به ارائه یک جمع‌بندی از تفسیر آیه مدنظر بپردازند. نکته مهم در این زمینه نیز تلازم و پیوند میان دو روش تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی در کنار یکدیگر و بهره‌گیری از هر دو روش برای بیان مباحث تفسیری است. آیه‌الله مهدوی کنی در این خصوص می‌فرماید:

«آنچه مهم است این‌که در ضمن تفسیر ترتیبی می‌بایست به تفسیر موضوعی هم پرداخت، زیرا نمی‌توان در تفسیر یک آیه، به دیگر آیات مشابه و نظیر آن توجه نداشت. در تفسیر ترتیبی ابتدا باید تفسیر هر آیه به تناسب جایگاه و سیاقی که دارد در نظر گرفته شود، سپس می‌بایست مضمون آیه با آیات دیگر مشابه و هم‌سنخ آن سنجیده شود. اگر این دو اقدام در کنار یکدیگر صورت نگیرد، فهم ناقصی از آیه حاصل می‌شود. بنابراین تفسیر ترتیبی بر تفسیر موضوعی مقدم است، اما برای نگارش هر کدام، لازم است که از روش دیگر نیز استفاده شود. همچنین باید توجه داشت که پرداختن صرف به تفسیر موضوعی، بدون توجه به آنچه در تفاسیر ترتیبی نگاشته شده، ممکن است انسان را به خطا بیندازد، زیرا در این صورت سیاق کلام از دست رفته و بسیاری از خصوصیات متن از آن گرفته می‌شود و متن در یک فضای خام بررسی می‌شود که این کار نادرست است. اگر در فهم آیات، به آیات ماقبل و مابعد آنها توجه نشود، در حقیقت ارتباط میان آیات نادیده گرفته شده و منجر به خطا در فهم می‌شود. به‌عنوان مثال در بررسی آیات جهاد در قرآن، از برخی آیات ممکن است این حکم استنباط شود که «جهاد واجب است»، اما کجا؟ چه وقتی؟ در مقابل چه کسی؟ در چه شرایطی؟ و به چه منظوری؟. اینها همه سؤالاتی است که هم در رابطه با جهاد و هم در رابطه با صلح مطرح است و آنچه

می‌تواند راهکار فهم آنها باشد، توجه به قرائن کلام، سیاق کلام، شأن نزول آیات و جایگاه، زمان و مکانی است که آیات در آن نازل شده‌اند. لذا پرداختن صرف به تفسیر ترتیبی یا موضوعی، صحیح نیست و ممکن است خطراتی داشته باشد» (مهدوی کنی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۹).

کاملاً مشخص است که این سبک مهدوی کنی در طرح مباحث تفسیری، برگرفته از سبک استادشان علامه طباطبایی می‌باشد چراکه در تفسیر المیزان نیز شاهد این سبک تفسیری هستیم. این کتاب اگرچه با روش تفسیر ترتیبی نگاشته شده، ولیکن به مناسبت طرح هر موضوع در اولین آیات، همه مباحث پیرامون آن موضوع مطرح شده است. در تفسیر ترتیبی، آیات قرآنی به صورت مجزا از یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرند و هرکدام در سیاق خود تبیین می‌شوند، اما در تفسیر موضوعی آیات در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته و اگرچه ممکن است در ابتدا یک تعارض ظاهری میان آنها مشاهده شود، ولیکن با استفاده از نتایج تفسیر ترتیبی مانند شأن نزول آیات می‌توان به سهولت این تعارض ظاهری را برطرف نموده و در نهایت موضوع مورد بحث را در همه‌ی ابعاد و جوانب تبیین نمود.

## ۲-۴. توجه ویژه به ترجمه صحیح و نقش اعرابی واژگان قرآنی

یکی از دغدغه‌های همیشگی آیه‌الله مهدوی کنی (ره) در ابتدای تفسیر هرکدام از آیات قرآن کریم، توجه به ترجمه صحیح واژگان و نقش اعرابی آنها در آیه است. ایشان تأکید بسیار دارند که پس از فهم صحیح واژه و ترجمه دقیق آن، خیلی مهم است که بدانیم آن واژه چه نقشی در جمله داشته و با اعراب نحوی آن کلمه در متن آشنا شویم. از منظر ایشان، بسیاری از نکات تفسیری ظریف آیه، پس از فهمیدن نقش نحوی واژگان قرآنی مشخص می‌شود و اگر کسی به دانش صرف و نحو زبان عربی و علم لغت مجهز نباشد، نمی‌تواند به درک صحیحی از آیات قرآن کریم دست یابد. نمونه این توجه همیشگی ایشان را در تفسیر آیات آغازین سوره مبارکه بقره می‌توان مشاهده نمود. به‌عنوان مثال ایشان در ذیل تفسیر آیه بسمله می‌فرمایند:

«دقت داشته باشید که در بسیاری از ترجمه‌های فارسی قرآن، آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را به نام خداوند بخشنده مهربان ترجمه کرده‌اند، در حالی که صفت رحمان و رحیم اصلاً به معنای بخشنده و مهربان نیست، بلکه معنای وسیع‌تری دارد. رحیم از ماده «رَحِمَ» است و در ترجمه واژگان قرآنی می‌بایست به ریشه لغت توجه داشت. اولین تفاوت میان رحمان و رحیم این است که واژه «رَحْمَن» صیغه‌ی مبالغه است و بر کثرت رحمت

دلالت دارد و صفت فعل خداوند است، اما «رحیم» که صفت مشبّه است، صفت ذات می‌باشد یعنی آن کسی که ذاتش رحمت است. صیغه مبالغه جنبه فراوانی و کثرت را نشان می‌دهد اما صفت مشبّه جنبه ذاتی را نشان می‌دهد. بدین ترتیب رحمان یعنی آن کسی که زیاد رحمت کرده و می‌کند و بازگشت این صفت به افعال الهی است، اما رحیم آن کسی است که ذاتش این حالت و این صفت را دارد و در او رحمتی ذاتی وجود دارد» (مهدوی کنی، ۱۳۹۸ش، ص ۱۰).

توجه به نقش نحوی واژگان نیز از منظر استاد بسیار مهم است، اما نکته مهم اینجاست که ایشان معتقدند اگر واژه‌ای امکان تحمل چندین نقش نحوی را داشته باشد، پذیرش همه این نقش‌ها بلامانع است و اساساً یکی از ویژگی‌ها اعجازگونه قرآن کریم آن است که کلماتش می‌توانند هم‌زمان چندین نقش نحوی مختلف در جمله داشته باشند. به‌عنوان مثال در ذیل تفسیر آیه دوم سوره مبارکه بقره می‌فرمایند:

«همان‌گونه که در خصوص واژه «هُدًی» گفته شد که احتمالات گوناگونی در خصوص نقش و اعراب این کلمه در آیه توسط مفسرین و نحویان بیان شده و توجه به این مسائل نحوی می‌تواند معانی عمیق آیه را تبیین نماید، در خصوص واژه «لِّلْمُتَّقِينَ» نیز احتمالات مختلفی بیان شده است که هرکدام معنایی متفاوت و در عین حال صحیح به آیه می‌بخشند. اساساً یکی از ویژگی‌ها و جنبه‌های اعجازگونه قرآن کریم آن است که برخی از کلمات و آیات آن می‌توانند نقش‌های مختلفی در جمله داشته باشند که همه آنها صحیح است و با محتوای کلی معارف قرآن کریم و سیاق آیات قرآنی سازگار است. اگر این احتمالات به‌طور دقیق و جداگانه احصاء شده و در نظر گرفته شوند، شاید مجموع آن به ده‌ها احتمال برسد که همه آنها می‌توانند صحیح باشند و مورد تأیید قرآن کریم هستند، و این مطلب یکی از ویژگی‌ها اعجازگونه قرآن کریم است که کلمات آن را می‌توان به وجوه مختلفی تعبیر کرد. نکته جالب آن است که هیچ‌کدام از این احتمالات با یکدیگر معارض نبوده و رابطه تباین ندارند و می‌توانند همدیگر را پوشش دهند» (مهدوی کنی، ۱۳۹۸ش، ص ۱۸).

در ضمن پرداختن به نقش نحوی واژگان، یکی از نکات جالب در کلام استاد، ضرورت توجه به تک تک واژگان و حروف قرآنی و پرهیز از ساده‌اندیشی در مواجهه با آیات قرآن است.

ایشان معتقدند که هیچ حرفی در قرآن کریم اضافه و زائد و بی‌معنا نیست و اینکه برخی از نحویان در مواجهه با حروف قرآنی از آن به حروف زائد تعبیر می‌کنند، یک کج‌سلیقگی در انتخاب نام بوده است. متأسفانه در علم نحو از آنجا که برخی از حروف کاربردهای متعددی داشته‌اند، از آنها به حرف اضافه تعبیر کرده‌اند (مهدوی کنی، ۱۴۰۰ش، ص ۴۷).

لازم به ذکر است که به دسته محدود و مشخصی از واژه‌های دستوری - نقشی که از لحاظ صورت ظاهری و نوشتاری ثابت بوده، ولیکن به علت قرار گرفتن در جایگاه‌های مختلف ساختاری در جمله، نقش و معنا و مفهومی متفاوت و متعدد پیدا می‌کنند، «حروف اضافه» گفته می‌شود. این دسته از حروف از لحاظ معنا، وابسته به روابط و مفاهیم دستوری خاص هر زبان بوده و در همه زبان‌های دنیا وجود دارد. در برخی از زبان‌ها به این حروف، «حروف زائد»، «حروف نسبیت» یا «حروف رابط» نیز گفته می‌شود و به گونه‌های مختلفی مثل حروف اضافه اصلی و فرعی، یا حروف اضافه پیشین و پسین تقسیم می‌شوند (ر.ک: تهانوی، ۱۸۶۲م، ج ۲، ص ۸۸۹؛ آذرنوش، ۱۳۷۱ش، ص ۷).

## ۲-۵. نگاه عبرت‌گیرانه از تاریخ اسلام در تفسیر قرآن

از دیگر ویژگی‌ها سبک تفسیری آیه‌الله مهدوی کنی، تلاش برای عبرت‌گیری از حوادث تاریخی صدر اسلام در ضمن طرح مباحث تفسیری است. ایشان به مناسبت هر مبحثی، تلاش می‌کنند تا موضوع را به مسائل جاری روز کشانده و از مباحث قرآنی و تاریخی، استفاده‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی داشته باشند. بی‌شک این نگاه عبرت‌گیرانه ایشان ناشی از مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی متعددی است که پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تا آخرین روزهای حیات بر عهده داشتند و در موقعیت‌های مختلف ایفای نقش نموده‌اند. این تلاقی علم و عمل در وجود ایشان باعث شده در سرتاسر مباحث تفسیری، نگاهی کارآمد به قرآن کریم وجود داشته باشد به گونه‌ای که خواننده هیچ‌گاه خسته نشده و احساس بی‌فایده بودن از مباحث نداشته باشد.

به‌عنوان نمونه ایشان به مناسبت بحث از آغاز نزول وحی، ابتدا به تفاوت میان دو اصطلاح «نبوت» و «بعثت» پرداخته و سپس به بیان این مطلب می‌پردازند که هرزمان مبلغان دینی وارد عرصه عمل در جامعه شده و برنامه‌های اصلاحی خود را شروع کنند، با مشکلات متعددی مواجه می‌شوند، همان‌گونه که مشکلات پیامبر اکرم (ص) پس از بعثت ایشان شروع شده است، بنابراین مبلغان و رهبران و مسئولان باید خود را برای مواجهه با مشکلات پس از شروع حرکت اصلاح‌گرایانه خود آماده کنند و از تاریخ عبرت بگیرند:

«دوره بعثت، دوره شروع ارتباط علنی و گسترده پیامبر اکرم (ص) با مردم جامعه و حرکت و قیام ایشان بوده است. اساساً همه مشکلات نیز از همین دوره شروع شدند چون تا زمانی که پیامبر اکرم (ص) در غار حرا و مشغول عبادت بودند، کسی با افکار و برنامه‌ها و کارهای ایشان مشکلی نداشت و هیچ گزارشی از برخورد مشرکان با حنفاء تا پیش از بعثت پیامبر اکرم (ص) گزارش نشده است. بلکه آغاز همه مشکلات پیامبر (ص) از زمانی بود که به میدان آمده و در سطح شهر، رسالت خود را ابلاغ کردند و افکار و عقاید مشرکان را نقد نمودند. لذا به نظر می‌رسد اینکه قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا سَأَلْنَاكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» اشاره به این مطلب باشد که تحمل و ابلاغ قرآن کریم، کار بسیار سخت و مشکل و طاقت فرسایی است، زیرا همواره جوامع انسانی با تغییر و تحول فرهنگی و اعتقادی مخالف بوده و به سختی می‌توان ناهنجاری‌های غلط جامعه را که بدان عادت کرده و منافعشان را تقویت می‌کند، تغییر داده و اصلاح کرد» (مهملوی کنی، ۱۳۹۷ش، ص ۲۱).

استاد به‌عنوان فردی آشنا به شرایط زمان و آگاه از مسائل اجتماعی، در ضمن تفسیر آیات قرآنی، به بیان مشکلات و گرفتاری‌های اجتماعی و سیاسی مسلمانان پرداخته و تلاش کرده‌اند تا با نگاهی عبرت‌گیرانه از تاریخ اسلام، راهکار مواجهه با این مشکلات را بیان نمایند. بنابراین، مطالعه‌ی آثار تفسیری ایشان برای جوانان علاقه‌مند به انقلاب اسلامی ایران و سیاست‌مداران و دست‌اندرکاران اداره‌ی امور کشور و جهان اسلام بسیار سودمند خواهد بود.

البته استفاده استاد از مباحث تاریخی صرفاً برای عبرت‌گیری نیست، بلکه ایشان با استناد به گزارش‌های تاریخی تلاش می‌کنند تا جهت رفع تعارض ظاهری روایات و نیز فهم صحیح آیات و روایات نیز از این منبع مورد تأیید قرآن کریم استفاده نمایند. به‌عنوان مثال ایشان برای حل تعارض در خصوص آیاتی که وظیفه پیامبر اکرم (ص) را صرفاً ابلاغ وحی معرفی کرده و می‌فرماید: «وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ» (المائدة: ۹۹) با آیات دیگری که وظیفه‌ی قضاوت و حکومت در جامعه، تشکیل حکومت اسلامی و رفع اختلاف در میان مردم و مانند آن را نیز بر عهده‌ی رسول اکرم (ص) گذاشته است، مانند: «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ» (النساء: ۶۵) تلاش می‌کنند تا با توجه به زمان و شرایط نزول آیات و تبیین این مطلب که آیات انحصار وظیفه پیامبر (ص) در ابلاغ وحی، در مکّه و در شرایطی نازل شده که امکان تشکیل حکومت اسلامی فراهم نبوده است، اما آیات دسته دوم در دوران مدینه و در زمانی نازل شده

که حکومت اسلامی تشکیل شده و پیامبر امکان اعمال قدرت و قانون اسلامی را در جامعه داشته‌اند (ر.ک: مهدوی کنی، ۱۳۹۵ش، صص ۵۴-۵۷).

در خصوص استفاده از روایات تفسیری ائمه اطهار (ع) نیز دائماً متذکر این حقیقت تاریخی می‌شوند که اکثر روایات منقول از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) ناظر به تقابل با عالمان اهل سنت بوده است، لذا برای درک کلام ایشان، ابتدا لازم است به نظریاتی که علمای معاصر ایشان مطرح می‌کردند، توجه داشته باشیم. بیان نمونه‌های تاریخی از جمله علت اختلاف نظر شیعه و اهل سنت در رابطه با مسأله‌ی جهر یا اخفات «بسم الله الرحمن الرحيم» در نماز، از جمله این استفاده‌های تاریخی جهت فهم صحیح احادیث تفسیری است (ر.ک: مهدوی کنی، ۱۳۹۶ش، صص ۶-۸).

## ۲-۶. طرح مباحث سیاسی و اجتماعی در تفسیر قرآن

از آن‌جا که آیه الله مهدوی کنی (ره) به‌عنوان یک سیاست‌مدار، فردی آشنا به شرایط زمان و آگاه از مسائل اجتماعی و سیاسی جهان اسلام بوده، لذا در ضمن تفسیر آیات قرآنی تلاش کرده‌اند تا به بیان مشکلات و گرفتاری‌های اجتماعی و سیاسی مسلمانان سراسر جهان اسلام پرداخته، و با بهره‌گیری از معارف قرآنی، راه‌حلی برای از میان بردن این مشکلات و اصلاح وضعیت موجود و حرکت به سمت وضعیت مطلوب ارائه دهد. همین مطلب باعث شده تا یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های سبک تفسیری ایشان، بیان رویکردهای اجتماعی و کاربردی آیات قرآنی باشد تا عموم مردم بتوانند در عین استفاده علمی، در زندگی اجتماعی خود نیز از معارف قرآن کریم بهره ببرند. لذا استاد به مناسبت‌های مختلف تلاش دارند تا پس از اتمام مباحث تخصصی، گریزی به کارکردهای اجتماعی آیات زده و بخشی از آنها را بیان کنند.

به‌عنوان نمونه ایشان پس از یک بحث تخصصی طولانی در رابطه با مفهوم لغوی و اصطلاحی «رحمن» و «رحیم» در قرآن کریم و اینکه چرا این دو صفت اختصاصی برای خداوند متعال در آیه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ذکر شده است و تفاوت‌های این دو صفت چیست، در انتها به بیان این مطلب پرداخته که یکی از جنبه‌های تفاوت رحیمیت خداوند متعال با دیگر انسان‌ها که باعث شده این صفت به‌طور اختصاصی به او تعلق گیرد، آن است که دیگر انسان‌ها یا آگاهی کامل و دقیقی نسبت به نقایص و کمبودهای لازم و ضروری دیگران ندارند یا اگر هم آگاهی داشته باشند، قدرت و توانایی افاضه فیض و برطرف کردن آن را ندارند و در هر دو مرحله، نیازمند کمک و استعانت خداوند متعال هستند.

ایشان سپس بر مبنای این مبحث، وارد بحث‌های اجتماعی، به‌ویژه تربیت فرزندان در خانواده و روابط میان زن و شوهر شده و راهکارهایی را برای تربیت قرآنی و روابط حسنه در خانواده بیان می‌کنند. بخشی از کلام ایشان در این زمینه بدین شرح است:

«اگر والدین از نقص‌ها و عیوب فرزندان خود مطلع نبوده و نتوانند آنها را تحمل کنند، نمی‌توانند به آنها در جهت رشد و اعتلا کمک کنند. اگر زن و شوهر یا دو نفر شریک و هم‌مباحثه‌ای نتوانند عیوب همدیگر را تحمل کنند، نمی‌توانند در کنار همدیگر بمانند و رشد کنند. علت بسیاری از اختلاف‌های خانوادگی نیز این است که زن و شوهر تحمل نقص‌های همدیگر را ندارند و گمان می‌کنند که فقط طرف مقابل دارای نقص است و خودشان هیچ نقصی ندارند. پیش از شروع زندگی مشترک و ازدواج، زن و شوهر باید به این نکته توجه داشته باشند که هر دو انسانی ضعیف و موجوداتی ناقص هستند، و اساساً هدف ازدواج، همین رفع نقص‌ها و کمبودهاست. این نقص‌ها و کمبودها نیز به تدریج برطرف می‌شود، نه یک‌باره و یک‌شبه، لذا صبر و تحمل و آگاهی نسبت به خود و طرف مقابل، کلید حل بسیاری از مشکلات خانوادگی است. والدین نیز در تربیت فرزند می‌بایست صبر و تحمل داشته باشند، چون کودک همانند نهالی است که به تدریج رشد می‌کند و نیازهای بسیاری دارد، همان‌گونه که استعدادهای بسیاری نیز دارد اما برای شکوفایی استعدادها، نیازمند گذشت زمان و صبر والدین است... اگر زن و شوهر نیز چنین نگاهی به همدیگر داشته باشند و بدانند که هنوز استعدادهای بالقوه زیادی در وجود آنها نهفته است که با گذشت زمان و صبر و تحمل به تدریج شکوفا شده و زندگی خوبی در آینده خواهند داشت، در این صورت زندگی برای آنها شیرین خواهد شد» (مهدوی کنی، ۱۳۹۶، ش، ص ۳۲).

به عبارت دیگر ایشان در بیان علت اینکه چرا دو صفت رحمان و رحیم به‌عنوان مهم‌ترین صفات خداوند متعال ذکر شده‌اند، به بیان این مطلب می‌پردازند که توجه به اسماء و صفات الهی می‌بایست در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تبلور پیدا کند و رفتارهای انسان نیز همانند خداوند متعال بر مبنای رحمت و واسعه شکل بگیرد تا در این صورت وضعیت بهتری در جوامع انسانی حاکم شده و بسیاری از رذائل اخلاقی برطرف خواهند شد. ایشان معتقدند که محبت و مهربانی، صرفاً دلسوزی و ترحم کردن به دیگران و اظهار ناراحتی و سکوت نیست، بلکه همانند

خداوند متعال که امکان رشد و رفع نواقص را برای انسان‌ها فراهم کرده است، ما نیز باید تلاش کنیم پس از آگاهی از نواقص خود و دیگران، درصدد رفع نواقص برآمده و تلاش کنیم همه به رشد و کمال برسند. از نظر ایشان، کسی که از کمبودها و نقص‌های دیگران اطلاع داشته باشد، اما نسبت به آنها بی‌تفاوت بوده و هیچ اقدامی برای اصلاح و تربیت و رشد آنها نمی‌کند، یک استاد شقی و خائن است. همسری که از عیوب همسر خود مطلع است اما بی‌تفاوت بوده و اقدامی برای اصلاح آن نکند، درواقع یک انسان خائن، شقی و بی‌غیرت است که در نهایت به خودش و جامعه اسلامی ضرر می‌رساند. رحم کردن، آن است که انسان علاوه بر آگاهی و تحمل نواقص دیگران، درصدد رفع نواقص آنها نیز برآمده و با دلسوزی و خیرخواهی تلاش کند که آن افراد به کمال برسند.

## ۲-۷. تفسیر گویی با هدف آموزش روش صحیح تفسیر به مخاطبان

یکی دیگر از ویژگی‌ها سبک تفسیری آیه‌الله مهدوی کنی (ره) و یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های فکری و ذهنی ایشان در کلاس‌های تفسیر، تلاش برای آموزش روش صحیح تفسیر قرآن کریم و آشنا کردن دانشجویان با این روش بوده است. ایشان در جلسات مختلف دائم تلاش می‌کنند تا از طریق طرح سؤالات متعدد، نقد نظرات دیگر مفسرین و بیان نظرات صحیح همراه با دلیل و استدلال و معرفی صحیح روش تفسیر قرآن به قرآن، دانشجویان و طلاب را پیش از آموزش معارف قرآنی، با روش صحیح تفسیر قرآن کریم آشنا کنند. این مطلب، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مباحث تفسیری استاد است که در خلال مباحث ایشان به‌وضوح قابل مشاهده بوده و به دفعات می‌توان کاربرد روش ایشان را در ذیل آیات مختلف مشاهده نمود. به‌عنوان نمونه ایشان در یکی از جلسات کلاس می‌فرمایند:

«این نکته را من دائماً در کلاس‌های تفسیری خود و دیگر کلاس‌ها به مناسبت عرض کرده‌ام که تفسیر قرآن، روش دارد و یک کار تخصصی است و می‌بایست بر طبق اصول و مبنای قرآنی باشد، وگرنه تفسیر به رأی می‌شود که سرانجامش آتش جهنم است. کلاس تفسیر قرآن این نیست که فقط یک متن تفسیری بخوانیم و متن خوانی کنیم و نباید از من انتظار داشته باشید که برای شما متن بخوانم و نظرات دیگران را بیان کنم. سبک من در تدریس، طرح سؤال و نقد و تحلیل است چون می‌خواهم شما را هدایت کنم. البته ان شاء الله خداوند همه را ما را هدایت کند و اصل هدایت با



خداوند متعال است، اما من به عنوان استاد نیز در هدایت شما نقش دارم و می‌بایست شما را با قرآن کریم آشنا کنم» (مهدوی کنی، ۱۳۹۶ش، ص ۵۳).

بطور کلی سبک استاد در تفسیر آن است که فقط به یک آیه و آنچه مفسرین گفته‌اند، اکتفا نکرده و ضمن مراجعه به دیگر اقوال مفسرین و نظرات مختلف آنان، به سنجش و نقد آن نظرات پرداخته و بر مبنای منابع معتبر و مورد تأیید مانند روح کلی حاکم بر قرآن کریم، روایات صحیح اهل بیت (ع)، گزارش‌های موثق تاریخی و استدلال‌های عقلی به بیان نظر صحیح می‌پردازند. نکته مهم آن است که ایشان به دفعات در مباحث خود، این فرایند و روش را گوشزد کرده و تلاش می‌کنند تا مخاطبان خود را با روش صحیح تفسیر قرآن آشنا نمایند. ایشان دلیل این رفتار خود و تکرار عنوان روش و مراحل آن را چنین بیان می‌کنند:

«فرصت ما محدود است و نمی‌توانیم همه آیات قرآن را تفسیر کنیم، لذا می‌بایست به شما روش تفسیر را آموزش دهم تا خودتان بتوانید بعداً به مطالعه بپردازید. می‌خواهم به شما ماهیگیری یاد بدهم، نه ماهی خوردن. هیچ استادی نمی‌تواند در طول دوره دانشگاه یا حوزه علمیه، همه علوم را به شما آموزش دهد و اصلاً نباید این‌گونه هم باشد چون کلاس درس، فقط برای راهنمایی و آماده کردن ذهن دانشجو است، آن هم دانشجویی که قصد تعلم و تکامل دارد. اکثر محققین و نویسندگان و عالمان بزرگ، کسانی بودند که مدتی در دانشگاه یا حوزه علمیه درس خوانده و مایه گرفته و سپس خودشان به مطالعه و تحقیق پرداخته و تولید علم کرده‌اند. کلاس درس فقط برای آموزش روش مطالعه و تحقیق و آشنایی با مبانی است تا ذهن دانشجو آمادگی پیدا کند. حال اگر دانشجویی استعداد داشته باشد و از این راهنمایی‌ها به خوبی استفاده کند و بعد از اتمام دروسش، همچنان وقت بگذارد و مطالعه و تحقیق را ادامه دهد، ان شاء الله خواهد توانست در آینده کارهای مهمی انجام داده و آثار خوبی از خود بر جای بگذارد. آن وقت چنین کسی می‌تواند ادعا کند که مُلا و عالم شده است، وگرنه با مدرک دانشگاهی و حوزوی کسی مُلا و عالم نشده است و نمی‌شود» (مهدوی کنی، ۱۳۹۶ش، ص ۵۵).

این بیانات استاد به وضوح نشان می‌دهد که ایشان با روحیه معلّم گونه خود، تلاش دارند تا روش تحصیل صحیح، روش مطالعه صحیح، روش تدبر و تفکر صحیح و روش مواجهه

صحیح با منابع دینی را به دانشجویان آموزش داده و آنان را برای یک جهاد علمی و عملی بزرگ در راستای گسترش مرزهای دانش آماده کنند.

## ۲-۸. نقد استدلالی درک غلط از آیات قرآن کریم

همان‌گونه که گفته شد، حضرت آیت‌الله مهدوی کنی (ره) به‌عنوان یک عالم دینی، خود را موظف می‌داند که اگر در مواردی با درک غلط و نادرستی از آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) مواجه شدند، آن درک و اندیشه غلط را با شیوه‌ای مستدل و مستند، نقد کرده و پاسخ دهند. در بسیاری از موارد، تفاسیر بیان شده توسط ایشان، عملاً نقد تفاسیری است که برخی از عالمان اهل سنت از آیات قرآن کریم داشته‌اند، ولیکن استاد به جهت رعایت وحدت در جامعه اسلامی، به این موضوع اشاره نکرده و از آن مفسر نام نمی‌برند، ولیکن در برخی موارد برای آگاه کردن مخاطب از اینکه چه تفاسیر غلط و نادرستی از آیات ممکن است وجود داشته باشد و چگونه باید تشخیص دهیم که تفسیر صحیح کدام است و روش صحیح تفسیر قرآن کریم چیست، به ذکر مواردی به‌عنوان نمونه می‌پردازند.

یکی از این موارد، نقد تفسیر «طنطاوی» (۱۲۸۷ق - ۱۳۵۸ق)، از عالمان بزرگ اهل تسنن مصر است که استاد دانشگاه الازهر و دارالعلوم قاهره بوده و تفسیری ترتیبی با گرایش به علوم تجربی به نام «الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم» دارد. طنطاوی ذیل آیه «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا» (مریم: ۷۱) و در خصوص مسئله ورود همه انسان‌ها به جهنم اعتقاد خاصی دارد که آیت‌الله مهدوی کنی (ره) آن را نقد کرده و می‌فرماید:

«البتة طنطاوی ذیل این آیه، تعبیری دارد که واقعاً جای تأمل است. وی معتقد است منظور از این جهنمی که همه می‌بایست وارد آن شوند، همان جهنم نفس‌آماره انسان و آتش نفس است که در وجود همه انسان‌ها، حتی پیامبران الهی نیز نهفته و تقدیر الهی آن است که همه با این نفس‌آماره مبارزه کنند تا به بهشت و سعادت برسند. این تعبیر واقعاً جالب است چرا که همه انسان‌ها درگیر نفس‌آماره بوده و شیطان نیز از این راهکار برای فریب انسان وارد می‌شود، اما واقعیت آن است که این تعبیر زیبا و ذوقی، هیچ مبنای قرآنی ندارد و هیچ‌کدام از آیات قرآن کریم، این تعبیر را تأیید نمی‌کنند.

برای تفسیر قرآن، می‌بایست با دلیل و منطق سخن گفت و از آیات دیگر قرینه‌ای تأیید کننده آورد. نباید هر برداشتی که به ذهن می‌رسد را به‌عنوان

تفسیر قرآن و مقصود آیه بیان کرد، ولو آن حرف بسیار خوب و قشنگ باشد. حتی بسیاری از مطالب علمی و فلسفی نیز که در جایگاه خودشان اثبات شده و صحیح هستند تا زمانی که مبنایی قرآنی یا روایی آنها را تأیید نکنند، نمی‌توانند به‌عنوان تفسیر آیات قرآن مطرح شوند چرا که مطالب علمی لرزان و متغیر است و دائماً نظرات علما تغییر می‌کند، اما قرآن کریم ثابت است و ابدی. بنابراین از آقای طنطاوی باید بپرسیم که دلیل قرآنی شما برای این تفسیر خاص از آتش جهنم به آتش نفس اماره انسان چیست و کدام آیات دیگر قرآنی این نظریه را تأیید می‌کنند؟ (مهدوی کنی، ۱۴۰۰ش، ص ۵۱).

## ۲-۹. طرح مباحث با هدف اعتلای حکومت اسلامی

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم و حائز اهمیت آیه‌الله مهدوی کنی (ره) در تفسیر آیات قرآن کریم، توجه به مسئله حکومت اسلامی و تلاش برای اعتلای حکومت اسلامی بر مبنای معارف قرآن کریم است. شاید بتوان گفت این مسئله، به‌عنوان یک اصل اساسی در ذهن ایشان نهادینه شده به‌گونه‌ای که کمتر تفسیر آیه‌ای را می‌توان یافت که در انتهای آن، گریزی به مسئله حکومت اسلامی نکرده باشند و کارکردهای موضوعی آن آیه را در راستای اعتلای حکومت اسلامی بیان نکرده باشند. به‌عنوان مثال همانگونه که پیش از این اشاره شد، ایشان در تفسیر آیه «بسم الله الرحمن الرحیم» به مسئله لزوم الگوگرفتن افراد از صفت رحمانیت و رحیمیت الهی در زندگی فردی و اجتماعی خود اشاره کرده و در نهایت راهکار اعتلای حکومت اسلامی را تجلی این صفت در نهاد همگان می‌دانند. در نمونه‌ای دیگر ذیل آیه «مالک يوم الدين» پس از بیان مباحث مفصلی از چگونگی مالکیت خداوند، به مسئله حوزه‌ی مالکیت حکومت اسلامی نیز اشاره کرده و بیان می‌کنند که ولی فقیه و حاکم جامعه اسلامی بر مبنای مصالح عمومی جامعه اسلامی می‌تواند احکام منصوص نسبت به مالکیت افراد بر اموال خود را تغییر داده و از آنها در راه مصالح جامعه استفاده کند. بخشی از کلام ایشان بدین شرح است:

«... ولی فقیه به‌دنبال الغاء و نفی مالکیت مردم از اموال ایشان نیست، اما اگر جایی براساس مصالح و مفساد اقتضاء کند، می‌تواند احکام منصوص را نیز تغییر دهد، چه برسد به احکامی که «لا نص فیہ» و به عبارتی «منطقه الفراغ» است. بنابراین دست حاکم اسلامی باز است تا مصالح عمومی جامعه‌ی اسلامی را حفظ کند. علت تأکید زیاد اینجانب بر این

مسأله، آن است که امروزه در جامعه‌ی اسلامی، برخی با این شعار که رابطه و تعامل انسان فقط با خداوند است و محدوده‌ی عملکرد انسان مسلمان نیز باید بر محدوده‌ی شرع (قرآن و سنت) باشد، به دنبال القاء تفکری سکولار در جامعه هستند تا به این وسیله نقش ولیّ فقیه و حاکم جامعه‌ی اسلامی را تضعیف و تخریب کنند. خداوند متعال می‌فرماید: «مالک یوم الدین» و این مالکیت، یک مالکیت حقیقی است بر همه چیز. از جمله انسان و جامعه‌ی انسانی که تجلّی آن به صورت مالکیت اعتباری انسان بر متعلقات خود و نیز مالکیت حاکم جامعه‌ی اسلامی ظهور پیدا می‌کند. لذا بدون «مالک یوم الدین» نمی‌توان دین اسلام را به طور کامل اجرا نمود و حکومت اسلامی ایجاد کرد» (مهدوی کنی، ۱۳۹۶ش، ص ۲۷).

نمونه‌ای دیگر از توجه عمیق استاد به موضوع اعتلای حکومت اسلامی را می‌توان در ضمن تفسیر آیات سوره بقره مشاهده نمود. ایشان از ابتدای شروع تفسیر این سوره، به این موضوع اشاره می‌کنند که زمان نزول سوره بقره در سال‌های آغازین حکومت پیامبر اکرم (ص) در مدینه بوده و لذا غرض نزول این سوره تبیین احکام و دستورات الهی برای تقویت حکومت اسلامی است و رابطه هر کدام از موضوعات مطرح در این سوره را با این معیار و ملاک کلی می‌بایست مورد ارزیابی و سنجش قرار داد. به همین دلیل در ذیل تفسیر تمامی آیات این سوره تلاش می‌کنند تا جایگاه آن موضوع در اعتلای حکومت اسلامی را بیان نمایند. به عنوان مثال ذیل تفسیر عبارت «وَ يُؤْتِيُمُونَ الصَّلَاةَ» در آیه سوم سوره بقره، به طرح دو تفسیر فردی و اجتماعی از اقامه نماز پرداخته و می‌فرمایند:

«اصلاً یکی از حکمت‌های تشکیل حکومت اسلامی، همین اقامه اجتماعی نماز است و اینکه خداوند متعال یکی از ویژگی‌ها متقین را اقامه نماز خوانده و آن را با فعل مضارع که دلالت بر استمرار دارد، بیان کرده است، یعنی اینکه یکی از وظایف متقین، تشکیل حکومت اسلامی است. دیانت واقعی و اقامه نماز واقعی یعنی تشکیل حکومتی که همه در آن نماز بخوانند و پرچم نماز بالا باشد نه اینکه اسم اسلام را حمل کنیم اما نسبت به نماز خواندن یا نخواندن مردم بی تفاوت باشیم و هیچ برنامه‌ای در این زمینه نداشته باشیم» (مهدوی کنی، ۱۳۹۸ش، ص ۴۸).

به عنوان نمونه‌ای دیگر، ایشان ذیل اشاره به موضوع وجود آیات محکم و متشابه در قرآن کریم، به مسئله فایده و کارکرد این تقسیم‌بندی در قرآن کریم پرداخته و با استناد به کلام علامه

طباطبایی که می‌فرمایند وجود آیات محکم و متشابه در قرآن کریم، عامل بقاء و تداوم دین و پرورش عقل است (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، صص ۶۰-۶۲)، تلاش می‌کنند تا ضمن تبیین این مطلب، نقش حکومت اسلامی در ارائه تفسیر و خوانشی صحیح از معارف قرآنی را نیز بیان کرده و به صراحت می‌فرمایند:

«بر خلاف آن کسانی که می‌گویند دین متوکی خاصی ندارد و بایست حکومت‌ها و دولت‌ها در این زمینه دخالت کرده و با اجبار و وضع قوانین، مردم را به سمت دین سوق دهند، بنده طرفدار این نظر هستم که دین متوکی خاص دارد. قرآن کریم می‌فرماید که همه نمی‌توانند به مراکز علمی و تخصصی آموزش دین مانند حوزه‌های علمیه بروند، بلکه یک عدّه می‌بایست متوکی این مسئولیت شده و تفقه در دین کنند و سپس به‌عنوان مبلغ و مسئول آموزش و هدایت مردم، دین را به دیگر مسلمانان عرضه کنند. این مطلب همان «اصل فقاهت» است؛ به این معنا که فراتر از عالمان و روحانیون مساجد - که عمدتاً مسأله‌دان بوده و پاسخ‌گوی سؤالات روزمره‌ی مردم هستند -، یک عدّه می‌بایست به تفقه در دین پرداخته، و پاسخ‌گوی مشکلات و مسائل مستحدثه باشند و نیز بر مطابقت قوانین جامعه با شرع اسلام نظارت داشته باشند. آن کسانی که می‌گویند دین متوکی خاصی ندارد و همه باید دین‌شناس و عالم و فقیه در دین شوند، در واقع می‌خواهند اساس دین را در جامعه تخریب کرده و بساط جامعه‌ی اسلامی را بر هم زنند. متأسفانه عدّه‌ای این مطالب را نمی‌فهمند و جاهلانه تعصب می‌ورزند» (مه‌دوی کنی، ۱۳۹۵ش، ص ۶۱).

ایشان در ادامه برای تبیین دقیق منظور خود به ذکر نمونه‌هایی از سوءاستفاده خوارج، بنی امیه، بنی عباس و حتی گروهک مجاهدین خلق موسوم به منافقین از آیات متشابه قرآنی پرداخته و به این نکته مهم اشاره می‌کنند که اگر رابطه میان حکومت و دین قطع شود و رفتار حاکمان اسلامی بر اساس ملاک‌های دینی سنجیده نشود و در عین حال حاکمان بر حق جامعه اسلامی نظارتی بر تفاسیر موجود از آیات قرآنی نداشته باشند، در نهایت با یک انحطاط فرهنگی - اجتماعی مواجه شده و ریشه هر دو سوزانده خواهد شد. نهایت آنکه تجلی این دغدغه استاد را می‌توان در خلال مباحث تفسیری ایشان به‌وضوح مشاهده کرد چراکه تلاش می‌کنند به اندک مناسبتی، جایگاه آن موضوع را در ساختار حکومت اسلامی بیان کرده و به تشریح ابعاد و زوایای آن در چارچوب حاکمیت اسلامی بپردازند. طبیعی است که این ویژگی، برخاسته از جامعیت

نگاه ایشان به معارف اسلامی، اعتقاد به جهان‌شمولی قرآن کریم برای عرصه‌های مختلف زندگی بشریت و همچنین تجربه حضور فعال و مؤثر در مناصب مختلف حکومتی از ابتدای انقلاب اسلامی تا آخرین روزهای حیات پُرخییر و برکت ایشان بوده است. بی‌شک آگاهی از سرگذشت ایشان و رنج‌هایی که برای تشکیل حکومت اسلامی و بقاء آن کشیده‌اند، بهتر می‌تواند عمق مباحث تفسیری و رویکرد خاص ایشان را در این خصوص تبیین نماید (برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: خواجه سروی، ۱۳۸۵ش؛ قیصری، ۱۳۸۷ش).

### نتایج تحقیق

محمدرضا مهدوی کنی (ره) اندیشمندی است که هم پیش از پیروزی انقلاب اسلامی و هم پس از آن، نقش ارزشمندی در تحولات جامعه ایران داشته و در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی و دینی، صاحب‌نظر و اندیشه‌پس بوده است. در این پژوهش تلاش شده پس از بررسی مجموعه آثار تفسیری منتشر شده از ایشان، مهم‌ترین ویژگی‌ها سبک تفسیری وی، احصاء و تبیین گردد. از این اندیشمند دینی تاکنون چندین اثر با موضوع اخلاق عملی (۴ جلد)، خطبه‌های نماز جمعه (۱ جلد) و مباحث تفسیری (۱۱ جلد) منتشر گردیده است. مهدوی کنی در یکی از مجلدات کتب تفسیری - که به اهتمام مؤلف مقاله جمع‌آوری و تدوین شده - به چیستی و الزامات تفسیر موضوعی قرآن کریم پرداخته و در مابقی، تفسیر سوره‌های حمد، قدر، نبأ و ۵۰ آیه اول بقره را بیان کرده است.

بررسی مباحث تفسیری ایشان که عمدتاً در کلاس‌های دانشگاهی مطرح شده، نشان می‌دهد که این اندیشمند دینی با اتخاذ سبک خاص آموزشی در طرح مباحث تفسیری به دنبال بیان مطالب و نکات مهم و شایسته‌ای جهت تحقیق و پژوهش توسط دانشجویان بوده و در این مسیر، سبک خاصی را جهت آموزش و بیان مسائل در نظر گرفته است. مهم‌ترین ویژگی‌ها سبک خاص آموزشی ایشان در طرح مباحث تفسیری عبارت است از: مسئله محوری در پرداختن به موضوعات قرآنی، طرح موضوعات مهم برای تحقیق و پژوهش، بیان تفسیر ترتیبی با رویکرد موضوعی، توجه ویژه به ترجمه صحیح واژگان قرآنی، نگاه عبرت‌گیرانه از تاریخ اسلام، طرح مباحث سیاسی و اجتماعی در تفسیر، آموزش روش صحیح تفسیر قرآن به مخاطبان و استفاده کاربردی از قرآن کریم با هدف اعتلای حکومت اسلامی.

### کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۷۱ش)، *آموزش زبان عربی*، تهران: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ابوشکور بلخی، (بی تا)، *دیوان شعر*، تهران: نشر سروش.
- بابایی، علی اکبر، (۱۳۸۱ش)، *مکاتب تفسیری*، تهران: انتشارات سمت.
- تهانوی، محمد اعلی، (۱۳۶۲م)، *کشاف اصطلاحات الفنون*، به کوشش محمد وجیه و دیگران، کلکته: بی نا.
- خواجه سروی، غلامرضا، (۱۳۸۵ش)، *خاطرات آیه الله مهدوی کنی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله مهدوی کنی، (۱۳۹۷ش)، *زندگینامه مختصر حضرت آیت الله محمدرضا مهدوی کنی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- رجبی، محمود، (۱۳۸۳ش)، *روش تفسیر قرآن*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- رضایی مقدم، محمد، (۱۳۹۷ش)، پایان نامه کارشناسی ارشد: *تحلیل دیدگاه های تفسیری حضرت آیت الله مهدوی کنی (ره)*، استاد راهنما: عباس مصلاهی پور، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- الرؤمی، فهد بن عبدالرحمن، (۱۴۰۷ق)، *اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر*، ریاض: دار العلم.
- سبحانی، جعفر، (۱۳۸۴ش)، *فروع ابدیت*، قم: بوستان کتاب.
- شاکر، محمدکاظم، (۱۳۸۱ش)، *مبانی و روش های تفسیری*، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- طباطبایی، محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران: نشر ناصر خسرو.
- طنطاوی، جوهری، (۱۴۱۲ق)، *الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم*، بیروت: دارالحیاء التراث العربی.
- علوی مهر، حسین، (۱۳۸۱ش)، *روش ها و گرایش های تفسیری*، قم: انتشارات اسوه.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۰ش)، *مبانی و روش های تفسیر قرآن*، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قدسی زاده، پروین، (۱۳۸۳ش)، *تاریخ شفاهی مسجد جلیلی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قیصری، مهدی، (۱۳۸۷ش)، *یار امام؛ یاور رهبر*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گلدزیهر، ایگناس، (۱۳۸۸ش)، *گرایش های تفسیری در میان مسلمانان*، ترجمه سید ناصر طباطبایی، تهران: نشر کمانگیر.
- المتولی، عبدالرحمان، (۱۹۸۶م)، *المعنی*، به کوشش ماری برنان، قاهره: دارالعلم.

- مرادی، رضا، (۱۳۶۱ش)، *زندگینامه پیشوایان انقلاب*، تهران: انتشارات حجر.
- معرفت، محمدهادی، (۱۳۸۰ش)، *تفسیر و مفسران*، قم: التمهید.
- مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۳۷۱ش)، *نقطه های آغاز در اخلاق عملی*، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۳۹۳ش)، *سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی؛ مجموعه خطبه‌ها و سخنرانی‌های آیت الله مهدوی کنی در نماز جمعه‌ی تهران*، تحقیق و تنظیم: نادر جعفری، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۳۹۵ش)، *تفسیر موضوعی قرآن کریم؛ چیستی و الزمات*، تحقیق و تنظیم: محمد عترت دوست (جانی‌پور) و نادر جعفری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۳۹۶ش)، *تفسیر سوره مبارکه حمد*، تحقیق و تنظیم: محمد عترت دوست (جانی‌پور) و نادر جعفری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۳۹۷ش)، *تفسیر سوره مبارکه قدر*، تحقیق و تنظیم: محمد عترت دوست (جانی‌پور) و نادر جعفری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۳۹۸ش)، *تفسیر سوره مبارکه بقره*، تحقیق و تنظیم: محمد عترت دوست (جانی‌پور)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۴۰۰ش)، *تفسیر سوره مبارکه نبا*، تحقیق و تنظیم: محمد عترت دوست (جانی‌پور)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق(ع).
- مهدی زاده، فضل‌الله، (۱۳۸۱ش)، *یاران امام، قامت استوار*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- مهریزی، مهدی، (۱۳۹۲ش)، *میراث حدیث شیعه*، قم: دارالحدیث.
- مؤدب، سید رضا، (۱۳۸۰ش)، *روشهای تفسیر قرآن*، قم: اشراق.
- میرمحمدی، ابوالفضل، (۱۳۶۳ش)، *تاریخ و علوم قرآن*، قم: انتشارات اسلامی.
- نقراشی، سید علی، (۱۴۰۶ق)، *مناهج المفسرین من العصر الاول الی عصر الحدیث*، مکتبه النهضه: عربستان سعود.



### **Bibliography:**

The Holy Quran.

Azarnoush, Azartash, (1371), Teaching Arabic Language, Tehran: Big Islamic Encyclopaedia.

Abu Shakur Balkhi, (B.T.A.), Poetry Divan, Tehran: Soroush Publishing House

Babayi, Ali Akbar, (1381), Tafsiri Schools, Tehran: Samt Publications.

Tahanavi, Mohammad Ali, (1862 AD), Kashaf Al-Funun terms, with the efforts of Mohammad Wajih and others, Calcutta: Bina.

Khaje Sarvi, Gholamreza, (2015), Memoirs of Ayatollah Mahdavi Keni, Tehran: Islamic Revolution Records Center.

Ayatollah Mahdavi Kani's Book of Preservation and Publication, (2017), brief biography of Ayatollah Mohammad Reza Mahdavi Kani, Tehran: Imam Sadiq University (AS).

Rajabi, Mahmoud, (1383), The Method of Qur'an Interpretation, Qom: Research College of the Field and University

Rezaei Moghadam, Mohammad, (2017), Master's Thesis: Analysis of the Commentary Views of Hazrat Ayatollah Mahdavi Keni (RA), Supervisor: Mehdi Izadi, Tehran: Imam Sadegh University (AS).

Al-Rumi, Fahd bin Abdurrahman, (1407 AH), the trends of interpretation in the 14th century, Riyadh: Dar Al-Alam.

Sobhani, Jafar, (1384), Forough Ebadit, Qom: Bostan Kitab

Shaker, Mohammad Kazem, (1381), Basics and methods of interpretation, Qom: Al-Mustafa International Translation and Publishing Center.

Tabatabai, Muhammad Hossein, (1417 AH), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom: Islamic Publications Office of Jamia Madrasin.

Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1372), Majma al-Bayan Uloom al-Qur'an, Tehran: Nasser Khosro Publishing.

Tantawi, Johari, (1412 AH), Al-Jawahir fi Tafsir al-Qur'an al-Karim, Beirut: Dar al-Hayya al-Trath al-Arabi.

Alavi Mehr, Hossein, (1381), methods and tendencies of interpretation, Qom: Asoeh Publications.

Amid Zanjani, Abbas Ali, (1380), Basics and Methods of Qur'an Interpretation, Tehran: Publications of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.

Qodsizadeh, Parvin, (2013), Oral History of Jalili Mosque, Tehran: Islamic Revolution Records Center.

Kayseri, Mehdi, (1387), Yar Imam; Yavor Rahbar, Tehran: Center for Documents of the Islamic Revolution

Goldzihar, Ignas, (1388), Tafsir trends among Muslims, translated by Seyyed Nasser Tabatabai, Tehran: Kamangir Publishing.

- Al-Matovli, Abdurrahman, (1986), the singer, with the efforts of Marie Brennan, Cairo: Dar al-Alam. ,
- Moradi, Reza, (1361), Biography of Revolutionary Leaders, Tehran: Hajar Publications
- Marafet, Mohammad Hadi, (1380), Tafsir va Mafsaran, Qom: Al-Tamhid
- Mahdavi Kani, Mohammad Reza, (11371), starting points in practical ethics, Tehran: Imam Sadiq University.
- Mahdavi Kani, Mohammad Reza, (2013), moral politics and political ethics; A collection of sermons and speeches of Ayatollah Mahdavi Kani in Friday prayers in Tehran, researched and arranged by: Nader Jafari, Tehran: Imam Sadiq University (AS).
- Mahdavi Kani, Mohammad Reza, (2015), thematic interpretation of the Holy Quran; Chisti and al-Zamat, research and editing: Mohammad Etratdoost (Janipour) and Nader Jafari, Tehran: Imam Sadegh University Press.
- Mahdavi Kani, Mohammad Reza, (2016), Tafsir of Surah Mubaraka Hamad, researched and edited by: Mohammad Etratdoost (Janipour) and Nader Jafari, Tehran: Imam Sadiq University Press.
- Mahdavi Kani, Mohammad Reza, (2017), Tafsir of Surah Mubarakah Qadr, researched and edited by: Mohammad Etratdoost (Janipour) and Nader Jaafari, Tehran: Imam Sadiq University Press.
- Mahdavi Kani, Mohammad Reza, (2018), Tafsir of Surah Mubaraka Baqarah, researched and edited by: Mohammad Etratdoost (Janipour), Tehran: Imam Sadiq University Press.
- Mahdavi Kani, Mohammad Reza, (1400 AD), Tafsir of Surah Mubaraka Nabaa, researched and edited by: Mohammad Etratdoost (Janipour), Tehran: Imam Sadiq University Press.
- Mahdizadeh, Fazlollah, (2008), Yaran Imam, Qamat Astvar, Tehran: Historical Documents Research Center.
- Mehrizi, Mahdi, (2012), Shia Hadith Heritage, Qom: Dar al-Hadith
- Moadab, Seyyed Reza, (2010), Methods of Qur'an Interpretation, Qom: Ishraq
- Mir Mohammadi, Abolfazl, (1363), History and Sciences of the Qur'an, Qom: Islamic Publications.
- Negrashi, Seyyed Ali, (1406 AH), Manahij al-Mufsarieren from the first age to the age of hadith, Ennahda School: Saud Arabia.